



## پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بر گزار شد!

پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره دوازدهم در روز شنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۷ برابر با ۴ آگوست ۲۰۱۸ برگزار گردید. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به نشانه گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی کومه له نیز به عنوان ناظر حضور داشتند. بخش اول مباحث این نشست به گزارش سیاسی کمیته اجرایی و سپس گزارش تشکیلاتی کمیته ها و ارگانهای مختلف تشکیلاتی حزب به پلنوم و بررسی این گزارش ها اختصاص یافت. گزارش سیاسی کمیته اجرایی حزب ابتدا به تحلیل و ارزیابی از اوضاع سیاسی ایران و موقعیت جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی شهری و استنتاجات سیاسی و عملی از اوضاع حاکم بر جامعه پرداخت. بررسی اجمالی مهمترین تحولات جهان و منطقه نیز بخشی از گزارش سیاسی کمیته اجرایی به پلنوم بود.

در گزارش کمیته اجرایی به نشست کمیته مرکزی تأکید شد، یکی از مهمترین فاکتورها در تبیین اوضاع سیاسی ایران، تحول عظیمی است که در آگاهی کارگران و مردم ایران نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و در مناسبات آنها با حکومت بوجود آمده است. این تحول خود را در استمرار و پیوستگی مبارزات کارگران و اعتراضات توده های مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی و اعلام خواسته ها و مطالباتشان نشان می دهد. این روند بعد از خیزش سراسری دی ماه نیز بدون وقفه ادامه داشته است. موج جدید تظاهرات و راهپیمایی خیابانی در

## جنگ تجاری موجود پیام آور کدام نظامی است؟



## مبارزه ی طبقاتی در شرایط کنونی



**ابراهیم علیزاده: دبیر اول کومه له**  
**(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)**  
در گفتگو با خبرگزاری فرات نیوز و نشریه اکبر  
در مورد سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان  
و اوضاع سیاسی کنونی در ایران



## فشار بیشتر بر زندگی مردم در بازگشت تحریم ها

## اعتصاب سراسری گامی مهم در تکامل مبارزات کارگری



کارگران و اعتراضات توده ها از هیچ تلاش و حيله و نيرنگي فروگذار نمي کنند، بخش هاي مختلف اپوزيسيون بورژوازي ايران نيز به رغم استراتژي هاي متفاوتي که دارند تقلا مي کنند تا با اتخاذ روشها و تاکتيک هايي که هنوز زمان اتخاذ آنها فرا نرسيده است جنبش اعتراضی مردم را به بيراهه ببرند و آن را به نيروي ذخيره اهداف ارتجاعی خود و نقل و انتقال قدرت از بالا تبديل نمايند.

در مورد موقعيت جناح هاي دروني رژيم، پلنوم تأکيد کرد که مراکز اصلي قدرت در ساختار حاکميت جمهوري اسلامي مانند کادر رهبري سپاه پاسداران، خامنه اي و کابينه دولت با وجود اختلافاتي که بر سر استراتژي بقاي نظام اسلامي دارند، اما تحت فشار اعتراضات کارگري و توده اي، خطر فروپاشي اقتصادي و فشارهاي بين المللي و منطقه اي به هم نزديک تر شده و هماهنگ تر عمل مي کنند. همه سران رژيم اعتراضات مردم را نتيجه تحريکات و توطئه دشمن خارجي معرفي مي کنند و سرکوب اصلي ترين گزينه آنها براي مقابله با روند رو به گسترش اعتراضات کارگري و توده اي است. در جنگ لفظي با آمريکا، روحاني با همان زبان و ادبيات خاص فرماندهان سپاه پاسداران و خامنه اي سخن مي گويد. تهديد به بستن تنگه هرمز ابتدا از زبان روحاني جاري مي شود، سپس فرماندهان سپاه و خامنه اي با تحقير وي را تحسین مي نمايند. در اين ميان نمايندگان رژيم در مجلس که کترلي بر سياست هاي کلان حکومت اسلامي ندارند و در ميان شکاف مراکز اصلي قدرت امکان مانور سياسي پيدا کرده اند، از آنجا که بيشتر از سران رژيم در خط تماس با فشار اعتراضات توده اي و نفرت و انزجار عمومي قرار گرفته اند، گاه با استيضاح وزرا، و طرح مطالبه تغييرات حداکثري در کابينه دولت، فريبکارانه تلاش مي کنند تا زير بار مسؤليت اوضاع فاجعه باري که به اکثريت مردم ايران تحميل کرده اند، شانه خالي کنند. آنها به عبث تلاش مي کنند کارگران و محرومان و تهيدستان جامعه را متقاعد سازند که دولت و مجلس بر فراز طبقات اجتماعي قرار دارند و هنوز اين امکان وجود دارد که با ايجاد تغييراتي

سرعت گرفتن تغيير و تحولات سياسي به سنجيدگي روش ها و تاکتيک هاي مبارزاتي و روند تکاملي مبارزات کارگري و توده اي لطمه نزنند. وقتي از ناسنجيدگي در تاکتيک هاي مبارزاتي صحبت مي کنيم منظور تمام آن حرکاتي است که جنبش اعتراضی مردم را بطور زودرس و قبل از آنکه آمادگي لازم را در صفوف خود بوجود آورده باشد، قبل از آنکه به یک رهبري روشن بين و انقلابی و سازمان يافتگي دست يابد آن را به طرف نبرد نهايي با دشمن سوق دهد. در جريان اين جنبش اعتراضی، زماني که فرياد زدن خواسته ها و مطالبات مردم از جانب جوانان پرشوري که در پيشاپيش اين اعتراضات قرار گرفته اند با يورش سبعانه از جانب نيروهاي سرکوبگر روبرو مي شود، حمله به مراکز دولتي و آتش زدن یک يا چند پمپ بنزين هر چند بخشي از خصلت و طبيعت مبارزه تحت حاکميت رژيم هاي ديکتاتوري است، اما دشمن از همين خصلت طبيعي مبارزه به عنوان بهانه و فرصتي براي تحميل نبردهايي که هنوز زمان آن نرسيده استفاده مي کند. سياست راديکال آن است که اين فرصت ها به رژيم داده نشود و با اتخاذ تاکتيک هاي سنجيده و طرح شعارهاي بسيج کننده که ريشه در شرايط کار و زندگي اجتماعي مردم دارد، توده هاي هر چه بيشتري به خيابان و ميدان مبارزه با رژيم کشاند. بايد دريای توده ها که نفرت و انزجار از رژيم جمهوري اسلامي در آن موج مي زند با طرح خواسته هايي که تحقق آنها زندگي مردم و جامعه را متحول مي کند، به خروش در آورد. بايد در سازماندهي مبارزات کارگري و توده اي تعجيل کرد، بايد با تکیه به تجارب تاکنوني به شکل گيري و گسترش نهادهايي که اعتصابات کارگري و جنبش اعتراضی توده هاي مردم را هدايت و هماهنگ مي کند، ياري رساند و جنبش کارگري و توده اي را گام به گام براي انجام نبرد نهايي آماده کرد. شکل گيري شوراي هماهنگي در جريان اعتصابات سراسري، گامي مهم در تکامل مبارزات کارگري است.

نبايد از اين غافل باشيم که اگر جناح هاي مختلف جمهوري اسلامي در هماهنگي با هم براي به شکست کشاندن جنبش اعتصابی

نیمه اول مرداد ماه در اصفهان، کرج، شیراز، مشهد، رشت و چندین شهر دیگر گویای همین واقعیت است. باز در همین دو هفته اخير اعتصاب سراسري کارگران راه آهن، اعتصاب رانندگان کاميون و کاميون داران در بيش از ده ها شهر و استان، اعتصاب کارگران شهرداري مرکزي آبادان، اعتصاب دو هزار کارگر کوره پزخانه هاي تبريز، اعتصاب کارگران و کارمندان شرکت پتروشيمي ماهشهر و چندین اعتصاب و تجمع اعتراضی ديگر به روشني واقعيت استمرار اعتراضات کارگري و مبارزات توده اي را نشان مي دهد.

دو نقطه قوت اعتصابات کارگري و اعتراضات توده اي در اين دوره، يکي پيوستگي و استمرار اين مبارزات و ديگري تقويت جنبه سراسري اعتصابات کارگري و مبارزات توده اي بوده است. تداوم و پيوستگي اين مبارزات نقش تعيين کننده اي در تکامل آن و بستر سازي براي سازمان يابي اين جنبش اعتراضی و شکل گيري یک رهبري پيشرو و انقلابی دارد. عنصر سراسري شدن اين اعتصابات و اعتراضات نويد بخش آن است که کارگران و مردم با اتخاذ تاکتيک هاي سنجيده و متنوع مبارزاتي مي توانند ماشين سرکوب رژيم را زمينگير کنند و زمينه را براي پيشروي هاي بعدي آماده تر کنند و همين امر اعتماد به نفس بيشتر و روحيه تعرضی تری به مردم بخشیده است. اما اين روند بدون فراز و نشيب پيش نمي رود. رويدادهای يکي، دو ماهه اخير نشان مي دهند که تغيير و تحول در اوضاع سياسي ايران شتاب بيشتري به خود گرفته است. سقوط قيمت ارز ايران در برابر ارزهاي خارجي، افزايش قيمت کالاهای مصرفي و خدمات مورد نياز روزانه مردم، کاهش ۷۰ درصدی قدرت خريد کارگران و تهيدستان، خروج آمريکا از برجام، بازگشت تحریم ها و آثار آن بر جامعه، جنگ لفظی آمريکا و سران رژيم، انباشته شدن مطالبات مردم روی هم در حالي که به هيچ يک از خواسته هايي که مردم در خيزش سراسري دي ماه مطرح کرده اند پاسخي داده نشده است، اين ها همه فضای سياسي جامعه را ملتهب تر کرده است و زمينه براي حرکات مبارزاتي شتابزده بيشتر فراهم شده است.

شتاب يافتن تغيير و تحولات سياسي در ايران مي تواند انسجام دستگاه حاکميت جمهوري اسلامي را در هم فرو بریزد، صفوف نيروهاي مسلح رژيم را با از هم گسيختگي روبرو نمايد و جامعه را سريع تر به یک دوره انقلابی نزديک کند. اما در اين دوره بسيار حياتي است که

در کابینه، بحران را در جهت منافع مردم کنترل کنند. اما همین موقعیت رژیم هم شکننده است، سران رژیم نمی توانند بر روال فعلی هم به حاکمیت خود ادامه دهند. فشار گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری و حادث تر شدن رودروئی مردم با رژیم می تواند شکاف درون جناح های اصلی رژیم را عمیق تر نماید و فرمانروایی آنها را با بن بست کامل مواجه کند.

در بخشی دیگر از گزارش کمیته اجرائی به نشست کمیته مرکزی حزب به مناسبات رژیم جمهوری اسلامی با دولت آمریکا و تأثیرات آن بر کار و زندگی مردم پرداخته شد. گزارش تأکید کرد که با خارج شدن آمریکا از توافقات هسته ای، از برجام جنازه ای بیشتر باقی نمانده است. روشن بود که با خروج آمریکا از برجام، پرونده تنظیم مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا دوباره باز می شود. دولت ترامپ بارها از زبان وزیر خارجه و دیگر مقامات رسمی اعلام کرده که قصد تغییر رژیم جمهوری اسلامی را ندارد. استراتژی دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی اجرای همان سطور نانوشته توافقات هسته ای و برجام است. اجرای مفاد توافق فعلی؛ گسترش کنترل اجرای مفاد آن به زمانی نامحدود؛ نظارت بر برنامه های موشکی بالستیک سپاه پاسداران و کنترل مداخله گری های سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در کانون های بحرانی منطقه خاورمیانه، محورهای اصلی سیاست استراتژیکی هستند که آمریکا و قدرت های اصلی اروپا بر سر آنها با هم توافق دارند. این چهار رکن مواردی هستند که نگرانی های اصلی آمریکا و اروپا و متحدان آنها در منطقه خاورمیانه را برطرف خواهند کرد. دولت آمریکا برای پیشبرد این سیاست از حربه اصلی تحریم های اقتصادی و همچنین فشارهای سیاسی و دیپلماتیک کنترل شده استفاده می کند. حضور برخی از اعضای دولت و یا اعضای کنگره آمریکا در همایش سازمان مجاهدین خلق و یا دیدار مقامات درجه چندم وزارت خارجه با برخی از رهبران احزاب ناسیونالیست کردستان به معنای اتخاذ سیاست براندازانه نیست و در چهار چوب همان فشارهای کنترل شده می گنجد.

جمهوری اسلامی در برابر فشار تحریم اقتصادی راهی جز تسلیم پیش رو ندارد و از شواهد پیداست که از هم اکنون برخی از مطبوعات در داخل و یا چهره های شاخص حکومتی برای مذاکره و سازش با آمریکا زمینه چینی می کنند. در واقع خطر فروپاشی اقتصادی و فشار اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای میدان

مانور چندانی برای سران جمهوری اسلامی باقی نگذاشته است. رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون در برابر فشارهای آمریکا و اسرائیل از مواضع خود در سوریه عقب نشسته است، اما با این وصف تا زمانی که مسیر سازش و تسلیم بطور کامل هموار می گردد، جمهوری اسلامی به بهانه مقابله با فشارهای دشمن خارجی فضای امنیتی در داخل را تشدید و فقر و فلاکت بیشتری را به مردم تحمیل خواهد کرد. یعنی از هر سو دود این سیاست ها مستقیماً به چشم کارگران و مردم ایران می رود. در شرایط کنونی که اثرات روانی خطر تحریم های اقتصادی و از سر گرفته شدن آنها فشار مضاعفی را به کارگران و اقشار فرودست جامعه تحمیل کرده است، مذاکره و سازش جمهوری اسلامی با آمریکا به هر میزانی که بتواند فشار تحریم های اقتصادی را از دوش مردم بردارد به نفع شرایط زندگی و جنبش اعتراضی مردم است. سازش جمهوری اسلامی با آمریکا بقایای قدر قدرتی رژیم را در نزد افکار عمومی فرو می ریزد و بهانه مقابله با دشمن خارجی برای امنیتی کردن فضای حاکم بر جامعه و به گروگان گرفتن نان و معیشت مردم را از دست سران رژیم خارج می کند و شرایط مناسب تری را برای پیشروی مبارزات کارگری و توده ای جهت به زیر کشیدن جمهوری اسلامی فراهم می آورد.

\*\*\*

نشست کمیته مرکزی حزب در بخش آخر مبحث مربوط به اوضاع سیاسی ایران با اشاره به ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی، گسترش بیکاری و سقوط فاجعه بار قدرت خرید مردم، تداوم روند رو به گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری و خیزش های شهری و درماندگی رژیم در کنترل بحران ها و ناتوانی آن در پاسخگویی به مطالبات عاجل و انباشته شده کارگران و توده های محروم جامعه، بر این واقعیت تأکید کرد که جامعه ایران به طرف یک دوره انقلابی و تحولات سرنوشت ساز پیش می رود. مهمترین فاکتور که سیر این تحولات را تعیین می کند، این واقعیت است، که کارگران و اقشار ستمدیده جامعه نمی خواهند بیش از این به زندگی در اعماق فقر و بدبختی تن دهند.

اما وارد شدن به دوره انقلابی به خودی خود وقوع انقلاب و پیروزی کارگران و اقشار محروم جامعه را تضمین نمی کند. برای وقوع انقلاب پیروزمند که نظام جمهوری اسلامی را به زیر بکشد، طبقه کارگر به قدرت سیاسی برسد و بنیادهای مناسبات سرمایه داری را متحول کند علاوه بر آن تغییرات و زمینه های عینی و اجتماعی که به آنها اشاره شد و از اراده

احزاب و نیروهای سیاسی خارج است، باید طبقه کارگر یعنی موتور اصلی انقلاب به قدر کافی نیرومند باشد تا بتواند رسالت تاریخی خود را به انجام برساند. طبقه کارگر بدون سازمانیابی در تشکل های طبقاتی و توده ای از نوع شورا و سندیکا و حزب سیاسی کمونیستی خود و ایجاد تشکل و نهادهایی از نوع کمیته اعتصاب یا شورای هماهنگی که اعتصابات و مبارزات جاری کارگران را هدایت و رهبری کند، نمی تواند ظرفیت های خود را برای رهبری جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی به کار بگیرد. در همین راستا پا به جلو گذاشتن رهبران کارگری که اعتصابات کارگری را سازمان می دهند و ایجاد شورای هماهنگی در جریان اعتصاب سراسری کارگران راه آهن و اعتصاب سراسری رانندگان کامیون تجربه های درخشان و امید بخشی هستند که باید گسترش پیدا کنند.

در شرایطی که جامعه به طرف یک دوره انقلابی پیش می روند این امر بسیار حیاتی است که جنبش طبقه کارگر بتواند با اعتصابات سراسری و پر قدرت خود نه تنها جنبش های پیشرو اجتماعی را با خود همراه کند بلکه ذهنیات و روحیات اقشار کثیرالعهده خرده بورژوا را به نفع انقلاب اجتماعی دگرگون نماید. در شرایط کنونی از یک طرف رژیم جمهوری اسلامی بویژه اصلاح طلبان و اعتدال گرایان حکومتی و از طرف دیگر جریان های اپوزیسیون بورژوا لیبرال با طرح استراتژی گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی از طریق "رفرنندوم قانون اساسی" و "انتخابات آزاد" و .. می خواهند اقشار خرده بورژوا و طبقه متوسط را به پایگاه اجتماعی خود برای به شکست کشاندن انقلابی که در راه است تبدیل کنند. جنبش کارگری فقط با حضور قدرتمند در صحنه سیاسی و در همبستگی با جنبش توده ای و خیزش های شهری است که می تواند این تقلاها را عقیم بگذارد و اعتماد و امید اقشار خرده بورژوا به تغییر رادیکال و انقلابی به رهبری طبقه کارگر را بر انگیزد. طبقه کارگر با دست بالا پیدا کردن در این رویارویی ها است که می تواند اعتماد به نفس طبقات و باندهای حاکم را در هم کوبد و پیشروی جنبش کارگری و توده ای را تضمین کند.

نظر به این جهت گیری استراتژیک است که تمام ظرفیت های حزب کمونیست ایران در این دوره باید در خدمت سازمانیابی جنبش کارگری و توده ای و شکل گیری یک رهبری روشن بین و انقلابی در محل قرار



گیرند تا جنبش کارگری و توده ای با آمادگی بیشتر پا به یک دوره انقلابی بگذارند.

ارگانهای سیاسی و تبلیغی حزب باید با تحلیل و ارزیابی درست از رویدادها و تحولات سیاسی و شرایط مبارزه طبقاتی به روشن بینی سیاسی فعالین کارگری و تلاش گران جنبش های اجتماعی و توده ای کمک کند. باید تصویر عینی و واقع بینانه ای از موقعیت طبقه سرمایه دار، طبقه کارگر و اقشار بینابینی بر متن حرکت جامعه به سوی یک دوره انقلابی ارائه گردد.

تبلیغات سیاسی و حضور فعالین حزب در محل باید به پیوستگی و هر چه توده ای تر شدن و سراسری تر شدن اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی یاری رساند. نباید به رژیم جمهوری اسلامی اجازه داده شود که قبل از آنکه جنبش کارگری و جنبش توده ای آمادگی لازم را در صفوف خود بوجود آورده و به قدر کافی قدرتمند شده باشند، نبرد نهایی را به آنها تحمیل کند. فعالین جنبش کارگری و سازماندهندگان خیزش های شهری باید با آزمودگی و کاردانی خود مانع آن شوند که چنین فرصت هایی برای دشمن خلق گردد.

نظر به جهت گیری برنامه ای و استراتژیک حزب کمونیست ایران و ضرورت های سیاسی و به رغم موانعی که سر راه وجود دارد باید تلاش های فشرده تری برای شکل دادن به یک قطب سوسیالیستی انجام گیرد. تلاش ها در این زمینه باید کمک کند که گرایش سوسیالیستی نهفته در جامعه با تمام ظرفیت های خودش به حرکت در آید. گرایش چپ و سوسیالیستی یک گرایش اجتماعی قدرتمند در جامعه است. خیزش سراسری دی ماه و شعارها و مطالباتی که در آن مطرح شدند، پیوستگی اعتصابات کارگری و جنبش اعتراضی بیانگر همین واقعیت است. شکل دادن به یک قطب سوسیالیستی باید کمک کند که این نیروی چپ و سوسیالیست اجتماعی به تناسب نیرویی که در جامعه دارد در صحنه سیاسی ظاهر گردد. در همین راستا باید تلاش کرد که همکاری احزاب و سازمانها و نیروهای چپ و رادیکال و سوسیالیست نهادینه گردد.

در مورد موقعیت حزب کمونیست ایران و سایر احزاب و سازمانهای سیاسی موجود جنبش کمونیستی ایران، باید اذعان کرد که این نیروها پا به پای تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی و بلوغ سیاسی و رشد جنبش کارگری و توده ای و به قدری که بتوانند به نیازهای واقعی این جنبش ها در دوره ای که جامعه به طرف

یک دوره انقلابی نزدیک می شود جواب بدهند رشد و توسعه پیدا نکرده اند. این نگرانی واقعی وجود دارد که جنبش کارگری و توده ای بدون آمادگی احزاب و سازمانهای موجود وارد یک وضعیت انقلابی شوند. این تناقض ایجاب می کند که حزب در تمام عرصه ها فعالیت خود را گسترش دهد. با تلاش همه جانبه در زمینه های مختلف می توان بر این کمبودها غلبه کرد.

\*\*\*

در مورد اوضاع جهانی پلنوم تأکید کرد که نظم نئولیبرالی سرمایه داری و جهانی سازی مطابق این الگو وارد فاز جدیدی از بحران شده است. اعلام جنگ تجاری دولت آمریکا علیه قدرت رقیب چین و متحدانش مانند اتحادیه اروپا و کانادا نشانه بارز تداوم بحران نظام سرمایه داری و جهانی سازی تحت حاکمیت همین مناسبات است. اعلام جنگ تجاری دولت ترامپ علیه دیگر قدرت های رقیب سرمایه داری بزرگترین ضربه را به نظام بین المللی نئولیبرال بعد از جنگ جهانی دوم وارد آورده است. این رویکرد بویژه در برخورد به آلمان که بزرگترین قدرت اقتصادی اروپا است به روشنی خود را نشان می دهد. ترامپ تا کنون بارها اعلام کرده است که صنعت خودرو سازی آلمان یکی از اهداف اصلی این جنگ تجاری در آتلانتیک است. اعلام این جنگ تجاری و حمایت گرایی از صنایع داخلی آمریکا، در تناقض آشکار با استراتژی ناظر بر فعالیت های نهادهای بین المللی سرمایه داری نظیر، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی قرار دارد که خود دولت آمریکا در تعیین استراتژی این نهادها نقش مهمی داشته است. همچنین اعلام این جنگ تجاری در شرایطی که بخش های مختلف اقتصاد سرمایه داری، صنعت، خدمات، تجارت و بازارهای مالی درهم تنیده شده اند، در مغایرت با منافع غول های صنعت دیجیتال آمریکا مانند، مایکروسافت، گوگل، فیس بوک می باشد که سودهای هنگفت آنها در گرو فرامولی عمل کردن است. چنانچه این جنگ تجاری ادامه یابد بسیاری از کمپانی های آمریکا که برای فروش در بازارهای جهانی تولید می کنند از کشور خارج خواهند شد. این جنگ تجاری همچنین صنایع بزرگ اتومبیل سازی که بخش مهمی از کالاهای مورد نیاز خود را به علت نیروی کار ارزان از کشورها و مناطق آزاد تجاری تأمین می کنند را با مشکل روبرو می کند.

در برابر اعلام این جنگ تجاری از هم اکنون چین، اروپای متحد و کانادا اعلام کرده اند که

به تجارت آزاد پایبند هستند و در عین حال در واکنش متقابل، معافیت گمرکی از بخشی از کالاهای وارداتی از آمریکا را لغو کرده اند. اما اعلام جنگ تجاری از جانب آمریکا و اقدام متقابل قدرت های رقیب، در عصر جهانی شدن سرمایه نمی تواند مانع ادامه تجارت و سرمایه گذاری در بیرون مرزها و همینطور انتقال تکنولوژی و مهاجرت نیروی کار باشد. ادامه این روند بدون آنکه نظمی بر آن حاکم باشد و بدون آنکه آن مکانیسم ها و آن نهادهایی که این مناسبات را تنظیم می کردند کارکرد گذشته را داشته باشند، آناش و هرج و مرج را دامن می زند و رقابت در بین قدرت های سرمایه داری را تشدید می کند. در این دوره صف بندی ها بر اساس منافع معین و به حکم واقعیات اقتصادی بین کشورها تعیین می شوند. اعلام این جنگ تجاری بدون اینکه به تمام عواقب آن فکر شده باشد، خصوصیت دوران گذار است، دوره ای که نظم حاکم در هم ریخته بدون آنکه نظم جدیدی شکل گرفته باشد. این تحول در مناسبات قدرتهای بزرگ سرمایه داری جهان، رقابت برای گسترش مناطق نفوذ را باز هم تشدید کرده و زمینه را برای گسترش جنگ های نیابتی در مناطق مختلف جهان آماده تر می کند. این فاز تازه از بحران در شکل جنگ تجاری در همانحال این پیام سیاسی را نیز در خود نهفته دارد که راه حل نه تنظیم دوباره بازارها از طریق جنگ تجاری، بلکه خلاص شدن از شر نظام سرمایه داری است. این اوضاع بار دیگر بر این امر مهم تأکید می کند که جنبش کارگری و جنبش های پیشرو اجتماعی در کشورها و مناطق مختلف برای دستیابی به پیروزی تنها با تکیه نیروی آگاهی و سازمان یافته خود و به نیروی همبستگی و حمایت هم پیمانان طبقاتی خود در سایر نقاط جهان می توانند راه پیشروی را بگشایند.

پلنوم در اشاره به اوضاع سیاسی عراق تأکید کرد که موج جدید تظاهرات مردمی که یک ماه پیش علیه اوضاع نابسامان اقتصادی، کمبود خدمات شهری و قطع مکرر آب و برق، علیه بیکاری و کمبود آب آشامیدنی از شهرهای جنوب عراق آغاز شد و به تدریج به بغداد و دیگر شهرهای بزرگ عراق مانند ناصریه و عماره نیز گسترش یافت، بطور متناوب ادامه دارد. موج اخیر این اعتراضات چند هفته ادامه پیدا کرد. این اعتراضات از آنجا که دولت عراق غیر از بکار گرفتن حربه سرکوب علیه آن پاسخی به مطالبات مردم ندارد، می

رود که به بخشی از تحولات سیاسی عراق تبدیل گردد. بایکوت آگاهانه و

های سیاسی و ... را تثبیت کرده اند. این دستاوردها در اعماق جامعه ریشه دوانده اند. چنانکه مذاکرات کنونی دولت سوریه با رهبری سیاسی روژآوا بتواند به اعزام دوباره نیروهای ارتش سوریه به مناطق نوار مرزی و استقرار پادگانهای نظامی در برخی از شهرها و مناطق روژآوا نیز منجر گردد، باز هم دولت سوریه نمی تواند دستاوردهای جنبش روژآوا را پس بگیرد. روژآوا در دوره جنگ و بحران به رغم لغزش هایی از آزمون سربلند بیرون آمد، اکنون وقت آن است که در دوره ثبات نسبی و در دوره ای که دشمنان برای آینده آن نقشه می چینند، جنبش روژآوا دستاوردهایش را تعمیق و ارتقا دهد، دخالت مستقیم کارگران و مردم زحمتکش را در اداره جامعه و عرصه های مختلف حیات اجتماعی تأمین کند و به این دستاوردها در سراسر سوریه مقبولیت مردمی و اجتماعی ببخشد و حمایت و همبستگی مردم سراسر سوریه را برانگیزد.

نشست وسیع کمیته مرکزی در بخش گزارش تشکیلاتی، گزارش فعالیت های کمیته تشکیلات داخلی، تشکیلات خارج از کشور حزب، شبکه تلویزیونی و رادیو حزب، دفتر روابط بین المللی و نشریات حزبی را مورد بحث و بررسی قرار داد و ضمن انتقاد از کمبودها بر جهت گیری فعالیت آینده این ارگانها تأکید کرد. نشست کمیته مرکزی در مبحث مربوط به تقسیم کار و آرایش درونی کمیته مرکزی، کمیته ها و ارگان های مختلف تشکیلاتی را ترمیم و یا در جای خود ابقاء نمود.

پلنوم در بخش پایانی کار خود، بمنظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان رفقای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند کمیته اجرائی مرکب از هفت تن رفقا: هلمت احمدیان، خسرو بوکانی، رئوف پرستار، نصرت تیمورزاده، حسن شمسی، محمود قهرمانی و صلاح مازوجی را انتخاب نمود.

### کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران

۲۰ مرداد ۱۳۹۷

۱۱ آگوست ۲۰۱۸



است. اما این وضعیت دوام نمی آورد، نیروی مادی و واقعی برای تغییر در این جامعه هم وجود دارد. کارگران و مردم زحمتکش، زنان ستمدیده، معلمان و همه انسانهایی که از ادامه وضعیت موجود در کردستان عراق به تنگ آمده اند راهی جز این ندارند که برای پایان دادن به وضعیت موجود، در صحنه سیاسی جامعه حضور داشته باشند، صفوف خود را متحد کنند، تشکل و سازمان خود را بوجود آورند و از طریق همین نهادها مجرای دخالت در اداره جامعه و تعیین سرنوشت خود را پیدا کنند.

در مورد بحران سوریه پلنوم تأکید کرد که با شکست داعش و باز پس گیری مناطق تحت تصرف این جریان و توافقات پشت پرده قدرتهای اصلی درگیر این بحران وارد مرحله جدیدی شده است. کشور سوریه عملاً به دو منطقه نفوذ روسیه و آمریکا در شرق و غرب رودخانه فرات تقسیم شده است. دولت بشار اسد تنها با پرداخت بهای دفاع منافع دو ابر قدرت روسیه و آمریکا و رعایت امنیت اسرائیل در قدرت باقی مانده است. دولت روسیه که حریم هوایی سوریه را در کنترل دارد و به عنوان یکی از بازیگران اصلی در منطقه خاورمیانه خود را ملزم به رعایت امنیت اسرائیل می داند، به جنگنده های نیروی هوایی اسرائیل امکان داده که با حملات متناوب به پایگاههای نظامی رژیم جمهوری اسلامی، نیروهای قدس سپاه پاسداران را از کلیه مواضع خود وادار به عقب نشینی نمایند. جمهوری اسلامی به رغم سرمایه گذاری کلان در بحران سوریه یکی از بازندگان این بحران است. در مورد سرنوشت کردستان سوریه، با یورش دولت ترکیه به منطقه عفرین که با یک جنبش مقاومت قهرمانانه از جانب مدافعین مبارز آن روبرو شد و بعد از تصرف این منطقه، همه شواهد حاکی از آن است که بین آمریکا و دولت ترکیه و دولت های سوریه و روسیه بر سر تحت فشار گذاشتن جنبش روژآوا و رهبری آن، توافقهایی پنهانی صورت گرفته است. اما همه قدرتهای دخیل در بحران سوریه که در خارج کردن منطقه عفرین از زیر کنترل رهبری کانتون های سه گانه روژآوا با هم تبانی کرده بودند به این امر واقفند که در توازن قوای فعلی نمی توانند تمام دستاوردهای روژآوا را بازپس بگیرند. همه این قدرتهای ارتجاعی می دانند که در روژآوا تنها با یک حزب سیاسی و چند هزار نیروی مسلح مواجه نیستند، بلکه با یک جنبش توده ای روبرو هستند که طی شش، هفت سال گذشته دستاوردهای عظیمی در زمینه دخالت گری مستقیم در حاکمیت و اداره جامعه، تأمین برابری زن و مرد و رعایت حقوق اقلیت های ملی و مذهبی، تأمین آزادی

گسترده انتخابات اخیر و اعتراضات گسترده توده ای علیه اوضاع حاکم بر عراق نشان می دهد که گروههای حاکم در این کشور، ته مانده نفوذی را که با تکیه بر اختلافات مذهبی بین پیروان شیعه و سنی، که خود آنرا دامن زده بودند، داشتند، از دست داده اند. شرایط عینی زندگی و بی حقوقی های مفرط سیاسی و اجتماعی و تأثیرات روند رو به گسترش اعتراضات کارگری و توده ای در ایران، امید به پیروزی در دل مردم عراق را نیز زنده کرده است. تحت این شرایط اکثریت مردم از بی تفاوتی سیاسی بیرون آمده و بر علیه دستگاه دولتی فاسد و مرتجع به خیابانها آمده است. سر دادن شعار علیه احزاب و نیروهای مرتجع وابسته به جمهوری اسلامی در جریان این اعتراضات بیانگر روح همبستگی و هم سرنوشتی مردم معترض عراق با اعتراضات توده ای علیه رژیم اسلامی در ایران است. گروههای مرتجع حاکم دیگر نمی توانند نه بر نفرت مذهبی بین مردم شیعه و سنی، حکومت کنند و نه با اقدامات سرکوبگرانه و نفرت پراکنی علیه مردم کردستان، در میان مردم غیر کرد، پایگاهی بیابند. مردم عراق دیگر حتی امنیت خود را در مقابل خطر داعش و امثال آن، به وجود این دولت وابسته نمی دانند. اگر مردم عراق تحت فشار پیامدهای لشکرکشی آمریکا به عراق از خیزش های انقلابی در خاورمیانه و شمال آفریقا عقب مانده اند، اکنون دارند کم کم زیر بار این فشارها کمر راست می کنند و اعتماد به نفس خود را باز می یابند.

در کردستان عراق نیز ناتوانی حکومت محلی و احزاب حاکم در پاسخگویی به توقعات توده های مردم، گسترش فساد مالی و اداری، فلج شدن سیستم نیم بند دموکراسی پارلمانی، کشاندن مردم به پای برگزاری فرزندمی که ملزومات انجام آن را فراهم نیاورده بودند و مردم را بازیچه سازش ها و بند و بست های پشت پرده قراردادادن و فراتر از اینها نبود یک چشم انداز روشن برای بهبود این وضعیت، همگی دست بدست هم داده اند و مردم کردستان را در ابعاد گسترده از احزاب حاکم رویگردان کرده است. عدم حضور بیش از ۵۵ درصد مردم در پای صندوق های انتخاباتی که تقلب و عدم شفافیت بر آن سایه افکنده بود گویای همین وضعیت است. اما واقعیت این است نتایج انتخابات و شمارش آراء هر چه باشد در عالم واقع آن احزابی حرف اول و آخر را می زنند که نیروی مسلح، دستگاه امنیتی و منابع مالی را در اختیار دارند. در کردستان نیروی اپوزیسیون جدی در صحنه باقی نمانده

## ابراهیم علیزاده

## دبیر اول کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در گفتگو با خبرگزاری فرات نیوز و نشریه اکتبر در مورد سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان و اوضاع سیاسی کنونی در ایران



## سالگرد ۲۸ مرداد ۵۸ در کردستان

اکتبر: به سالگرد ۲۸ مرداد سال ۵۸ روز حمله وحشیانه رژیم اسلامی به کردستان نزدیک می شویم. این حمله چگونه تدارک دیده شد، هدف جمهوری اسلامی از حمله به کردستان چه بود؟ چه دستاوردهایی در جامعه کردستان با این حمله وحشیانه مورد تعرض قرار گرفت؟

ابراهیم علیزاده: حمله به کردستان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ یک رویداد ابتدا به ساکن نبود. در واقع بخشی از پروسه سرکوب انقلاب ایران بود. این سیاست نه از ۲۸ مرداد، بلکه از همان فردای به قدرت رسیدن جریان اسلامی، در دستور کارشان قرار گرفت. اواخر اسفند ۱۳۵۷ و اوایل فروردین ۱۳۵۸، در شهرهای مهاباد و سنندج، به دستور فرماندهان پادگان‌ها ی تحت امر رژیم جدید بر روی مردم آتش گشوده شد. در مهاباد ۲۰ نفر با تیراندازی مستقیم و در سنندج نزدیک به ۲۰۰ نفر در نتیجه توپ باران جان باختند. بعلاوه در همین مرحله رژیم تازه به قدرت رسیده توانست بخشی از ارتجاع محلی را نیز با خود همراه کند. مسلح کردن فئودال‌ها و عشایر و سازمان دادن آنها در یک تشکیلات ارتجاعی بنام "شورای عشایر کردستان"، تقویت جریان اسلامی تحت رهبری احمدی مفتی زاده در سنندج، از جمله این اقدامات بود.

در تاریخ ۳۱ فروردین سال ۱۳۵۸ جنگ بین مردم ترک و کرد را در شهر نرده به راه انداختند و پاسداران تحت فرمان ملا حسنی مرتجع را برای کشتار و غارت اموال مردم گسیل داشتند. بعلاوه پاسداران جمهوری اسلامی روز ۲۳ تیر ماه در شهر میوان بروی مردم آتش گشوند که طی آن ۲۴ تن جان خود را از دست دادند و ۴۰ نفر نیز زخمی گردیدند. در شهر سنندج نیز در نتیجه تیراندازی پاسداران مستقر در شهر چند تن جان باختند.

عکس العمل کومه له و مردم کردستان نیز در مقابل این اقدامات قاطع، انقلابی و توده گیر بود. مردم کردستان رفراندوم ۱۲ فروردین برای تاسیس حکومت اسلامی در ایران را بایکوت

کردند. رویدادهایی چون اعتصاب یک ماهه در شهر سنندج برای اخراج پاسداران از شهر، کوچ تاریخی مردم میوان با همین هدف، راهپیمایی طولانی از سنندج و دیگر شهرهای کردستان به سمت میوان و بسیاری اقدامات دیگر از این نوع در همین فاصله اتفاق افتادند. کومه له که تهاجم گسترده تر رژیم را محتوم می دانست، در تلاش بود که مردم کردستان را برای مقاومتی طولانی مدت و سرنوشت ساز تر آماده سازد. جریان اسلامی که برای چند صد سال به مثابه دولتی در دولت عمل کرده بود، در این دوره هم از منابع مالی سرشار، از شبکه مساجد و آخوندهای مستقر در سراسر کشور، که به مثابه یک تشکیلات سراسر عمل می کردند، و هم از رهبری منسجم برخوردار بود، با سقوط رژیم شاه خود را برای سرکوب انقلاب ایران آماده کرد. با توجه به اعلام بی طرفی ارتش، همه نهادها و ارگان‌های قدرت شاه را در دست گرفت و همه آنچه را هم که در نتیجه انقلاب درهم شکسته شده بود، به سرعت بازسازی نمود. نه لیبرال‌های طرفدار غرب که در سازمان‌های وابسته به جبهه ملی متشکل بودند، توانستند اعتماد دولت‌های غربی را برای مقابله با خطر نفوذ اتحاد شوروی به دست آورند و نه و نیروهای چپ و کمونیست، به دلایل مختلف فرصت جمع و جور کردن نیروها و توان اجتماعی خود را یافتند. تنها در کردستان بود که این روند مطابق نقشه جریان اسلامی پیش رفت و کردستان سرنوشت جداگانه ای پیدا کرد.

قبل از حمله ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان، دانشجویان در دانشگاه سرکوب شدند. جنبش ترکمن صحرا به خون کشیده شد. اعتراضات خوزستان در نطفه خفه گردید. کارگران در بندر انزلی و در اصفهان به رگبار بسته شدند. اما جمهوری اسلامی برای سرکوب در کردستان به تدارک بیشتری نیاز داشت. از این رو حمله به کردستان در مقایسه با حمله به دستاوردهای بخش‌های دیگری از مردم ایران، قدری به تخیل افتاد. یورش ۲۸ مرداد ۵۸ در حالی صورت گرفت که رژیم جمهوری اسلامی احساس می‌کرد توانایی لازم را برای سرکوب دستاوردهای مردم کردستان هم به دست آورده

طی مدت کمتر از ۶ ماه که جمهوری اسلامی سرگرم آماده ساختن خود برای حمله دیگری بود، کومه له علیرغم کارشکنی‌هایی که در داخل کردستان صورت می گرفت، در تدارک آماده ساختن افکار عمومی



تجلیل از یک راننده قهرمان که در جریان کمک رسانی جانباخته بود، براه افتاد نگاه کنید، به حمایت گسترده مردم از جنبش حق طلبانه روزاوا نگاه کنید، به پشتیبانی از مردم کردستان عراق در مقابل زورگویی دولت مرکزی عراق نگاه کنید، به حرکت های اجتماعی برای دفاع از محیط زیست، به مقاومت زنان در مقابل تحمیل حجاب اجباری، به طیف گسترده فعالین کارگری که در سطح سراسری دارای نفوذ و اعتبار هستند، نگاه کنید، همه اینها نشان می دهند که مردم زحمتکش و تحت ستم در کردستان سنت های جنبش انقلابی خود را پاس می دارند و به پیش می برند. در چنین شرایطی بایستی با تمام توان تلاش نمود که جنبش انقلابی کردستان با کوله باری از تجارب غنی خود با این جنبش سراسری برای نان و آزادی همراه و همگام شود. نباید به دیدگاه های انزواطلبانه، محافظه کارانه و ناسیونالیستی میدان داد، که این حرکت حق طلبانه و سرتاسری را به مردم کردستان نامربوط بداند. باید تلاش نمود تمام ظرفیت های موجود، خفته و یا نافع را به کار انداخت.

**اکتبر: در دو ماه گذشته تا کنون دو جلسه مشترک ما بین رهبری کومه له و کمیته کردستان حزب حکمتیست در رابطه با همکاری سازمان های چپ در کردستان صورت گرفته است. هدف از این همکاری در شرایط کنونی از نظر شما چه هست؟ نتایج تاکنونی این نشست ها، اقدامات و روند آتی آن را چگونه می بینید؟**

ابراهیم علیزاده: تلاش هایی که در این زمینه صورت گرفته است و می گیرد، بخشی از جهت گیری ما در سطح سراسری برای شکل دان به یک قطب سیاسی چپ و سوسیالیست است. طبیعی است که این سیاست عمومی خود را در کردستان با در نظر گرفتن ویژگی های محیط فعالیت خود در این منطقه نیز دنبال می کنیم. هدف ما در این رابطه فراتر از نزدیکی و همکاری دو سازمان معین است. چنین کاری در واقع در چهارچوب فعالیت های روتین و همیشگی قرار می گیرد. اما تحرکی که این موضوع در شرایط کنونی پیدا کرده است در رابطه با اوضاع سیاسی خطیر کنونی است. خطیر بودن اوضاع، پاسخ عاجل می طلبد. ما می دانیم که سوسیالیسم در جامعه کردستان آرمان اجتماعی معتبری است. اما در همان حال این را هم می دانیم که نفوذ اجتماعی

سر گذرانده بودند، تشکیلاتی که از بطن یک جامعه خفقان زده سربرآورده بود، برای رفع کمبودهای خود به زمان نیاز داشتند. خطر حمله جمهوری اسلامی و جنگی شدن فضای کردستان به ناچار مقاومت مسلحانه را در راس همه اشکال مبارزه و مقاومت قرار داد و فرصت کافی برای تعمیق و گسترش این دست آوردها بدست نیامد.

مهمترین و تعیین کننده ترین تجربه این است که در سازمان دادن شوراهای محل کار و زیست نباید تاخیر کرد. با وزیدن نخستین نسیم آزادی مردم باید قدرت خود را از پائین برقرار سازند. در این رابطه تجربه شوراهای محلات در شهر سنندج (بنکه ها) بسیار آموزنده است. این نقطه کلیدی است. باید از قبل برای پاسخ فوری به نیازهای عاجل اقتصادی مردم، برای مقابله با فلاکت اقتصادی نقشه داشت، بایستی به فکر خشتی کردن تفرقه اندازی های ملی و مذهبی بود، بایستی دلسوزانه و مسئولانه برای رفع ستم ملی تلاش نمود و برای آن برنامه معین داشت، بایستی مطابق یک نقشه راه عملی به مردم اطمینان خاطر داد که جامعه کردستان به صحنه رویارویی گروه های مسلح تبدیل نخواهد شد، رادیکالیسم در چنین عرصه هایی معنی پیدا خواهد کرد. با ایفای نقش یک حزب افراطی، که بدون شک غیر کارگری نیز خواهد بود، نمی توان این جامعه را از گذرگاه های سخت عبور داد. همه این عناصر و این تجربیات را در تاریخ ۴۰ ساله کومه له و جامعه کردستان می توان مشاهده کرد.

**اکتبر: در اوضاع امروز و در پرتو تحولات سیاسی ایران از دی ماه سال گذشته، تاثیر این تحولات بر اوضاع سیاسی کردستان و روند رو به رشد مبارزات کارگر و زحمتکش و زنان و مردم معترض علیه جمهوری اسلامی چگونه است؟ برای تقویت جنبش رادیکال و سرنگونی طلبانه علیه جمهوری اسلامی در کردستان چه باید کرد؟**

ابراهیم علیزاده: طی یک سال گذشته در کردستان حرکت هایی از لحاظ اجتماعی و مبارزاتی پیشرو رویداده است که نشان می دهد جنبش انقلابی کردستان در عمق رو به گسترش است. شما به اعتصاب عمومی در چندین شهر کردستان به حمایت از کولبران نگاه کنید، به همبستگی کم نظیر مردم در جریان زلزله استان کرمانشاه نگاه کنید، به کارناوال عظیمی که برای

برای روبرو شدن با تهاجم محتوم رژیم بود. جمهوری اسلامی از یک مذاکره واقعی با هیات نمایندگی مردم کردستان طفره می رفت و با مانورهای فریب کارانه برای خود فرصت می خرید. سرانجام وقتی تدارک خود را کامل کرد بار دیگر در فروردین ۱۳۵۹ حمله مجدد خود را به کردستان، این بار از محور کامیاران سنندج آغاز کرد.

رژیم جمهوری اسلامی نتوانست هیچ سنگری را بدون عبور از مقاومتی قهرمانانه فتح کند، مقاومتی که برای سال ها دوام یافت و رژیم را در کردستان زمین گیر کرد. اگر چه رژیم سرانجام نتوانست تفوق نظامی بدست بیاورد، اما هرگز نتوانست مردم کردستان رابه تمکین و تسلیم وا دارد.

**اکتبر: در مقابل هجوم نظامی جمهوری اسلامی به کردستان مقاومت توده ای و نظامی گسترده ای شکل گرفت. کمونیست ها و کومه له در آن مقطع نقش محوری در سازماندهی این مقاومت ایفا کرد. در یک نگاه تاریخی چه دستاوردهای از آن مقاومت مهم بود و چه کمبودهایی وجود داشت؟ درس های این مقاومت برای امروز مبارزه آزادیخواهانه در کردستان چیست؟**

ابراهیم علیزاده: به طور واقعی در عین اینکه مقاومت در برابر رژیم جمهوری اسلامی، گسترده و سراسری بود، اما توازن قوای داخلی برای پیشبرد برنامه کومه له برای تامین حاکمیت مردم در کردستان، در همه جا یکسان نبود. علیرغم تفاوت هایی که در این جا و آنجا وجود داشت، علیرغم محدودیت زمانی آن، مردم کردستان برای اولین بار حاکمیت از پائین، حاکمیت شورایی را تجربه کردند. آزادی های بدون قید و شرط سیاسی را تجربه کردند. پس مانده های نظامی فئودالی را رویدند و زمین از آن کسی شد که روی آن کار می کرد. زنان در مقیاس وسیع به میدان فعالیت های اجتماعی وارد شدند. نطفه های یک آموزش و پرورش مترقی بسته شد. برای نخستین بار مردم دیگر خود را زیر با ستم و تبعیض ملی نمی دیدند. مقاومتی که بعدا در برابر تهاجم رژیم صورت گرفت، در واقع دفاع از این دستاوردها بود.

اساسی ترین کمبود، کمبود تجربه و کمبود فرصت برای آماده ساختن کادرهای توانا برای اداره جامعه کردستان بود. مردمی که ده ها سال حاکمیت ستم و سرکوب پادشاهی را از

مبارزات مردم به جایی نمی‌رسد. برای همین مدام به مردم القا می‌کنند که در صورت دخالت آمریکا یک پیروزی آسان و بی‌خطر بدست می‌آید. اما این واقعیت ندارد. آمریکا از طریق ایران بسیاری از خواسته‌های خود در منطقه را به اجرا درآورده است، آمریکا فقط خواهان کنترل سرکشی‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و عنادهای رژیم ایران است. ما مخالف حمله‌ی خارجی هستیم چون تنها تغییری می‌تواند در خدمت مردم باشد که از داخل و توسط مردم روی دهد.

**خبرگزاری فرات: مدتی پیش نچیروان بارزانی و ناظم دباغ به احزاب روزهلانی هشدار دادند که اجازه‌ی استفاده از خاک اقلیم کردستان برای حمله به ایران را نمی‌دهند، نظر شما در این مورد چیست؟**

ابراهیم علیزاده: حکومت اقلیم کردستان هر خواسته‌ای هم که داشته باشد مبارزات روزهلان نمی‌تواند بر اساس امید به شمال یا جنوب کردستان به پیش برود. ما باید در داخل خود را آماده کرده باشیم. ما مخالف این هستیم که در مرزها برای یکدیگر مشکلاتی را درست کنیم. ما قبلاً در خاک روزهلان شهرها و روستاهایی را در کنترل داشتیم، هنگامی که در کنترل آنها شکست خوردیم باعث نمی‌شود مبارزات مسلحانه‌ی خود را به این طرف مرزها بکشانیم. ما باید مبارزات خود را در داخل روزهلان انجام بدهیم.

**خبرگزاری فرات: نظر شما در مورد پروژه‌ی اقدام دمکراتیک پژاک و کودار چیست؟ تا به حال حمایت خود را از این پروژه اعلام نکرده‌اید؟**

ابراهیم علیزاده: درست است که این پروژه یک پروژه‌ی حزبیست، اما در آن بسیاری از مسائلی که خواست و آرزوی مردم است مطرح شده است که بسیار بجا می‌باشد. اما آنچه مورد انتقاد ماست این است که فشار برای سرنگونی جمهوری اسلامی را از روی حکومت ایران برمی‌دارد و از پایان آن مرحله سخن می‌گوید. ما در پروژه‌ی کودار با این قسمت آن مخالفیم اما این مخالفت بر روابط ما با کودار و پژاک تأثیر نمی‌گذارد. ما بر روابط خود با کودار و پژاک مصرّ هستیم و با آنها در تبادل نظر برای آینده‌ی روزهلان کردستان خواهیم بود..

چپ ایجاد خواهد شد.

**خبرگزاری فرات: مدتیست فعالین مدنی و کارگری هدف ترور قرار می‌گیرند، به نظر شما چه کسی پشت این ترورها قرار دارد؟**

ابراهیم علیزاده: تاریخ ۴۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی حتی برای یک روز دست از ترور مخالفانش در جای جای جهان برنداشته است. حتی در زمانی که قدرت در دست اصلاح طلبان بود. زیرا ترور بخشی از خصلت این رژیم است. آنها در داخل ایران برای ترور آزاد نیستند زیرا نگران خروش افکار عمومی هستند، اما در خارج اینگونه نیست. اما واقعیت این است که مردم از این ترورها ترسی ندارند و تأثیری بر خواست و اراده‌ی آنها ندارد.

**خبرگزاری فرات: در میان خلق روزهلان ترس از جنگ برادرگشی وجود دارد، چه ضمانتی وجود دارد تا چنین جنگ‌هایی روی ندهند؟**

ابراهیم علیزاده: بدون شک هر حزبی از جانب خود باید این ضمانت را به مردم بدهد، هر کس از جانب خود شعله‌ور شدن جنگ داخلی را محکوم کند و فرصت ایجاد آن را از بین ببرد و به خلق روزهلان تعهد بدهد که افکار مخالف و مشکلات داخلی را به زور اسلحه حل نکنند. ما از جانب خود این ضمانت را به مردم می‌دهیم. در جنوب کردستان جنگی بزرگ میان احزاب کردی رخ داد. ما باید هوشیار باشیم تا این جنگ در روزهلان روی ندهد.

**خبرگزاری فرات: نظر کومه‌له در مورد تهدیدها و دخالت‌های آمریکا در ایران چیست؟**

ابراهیم علیزاده: آمریکا و کشورهای غربی بسیار به رژیم ایران نیاز دارند و همچنین حاضر به تغییر رژیم نیستند. در حالی که هنوز برای آنها مشخص نیست چه دولتی جای آنرا می‌گیرد. خلق ما باید بدانند که علاقه و طرفداری که در میان برخی احزاب کرد برای آمریکا وجود دارد کاملاً یک جانبه است و تابحال آمریکا به طور جدی قصد تغییر رژیم را نداشته است. آنها همیشه خواستار مذاکره با ایران بوده‌اند. گروه‌هایی که خواستار دخالت آمریکا در ایران هستند در اشتباه به سر می‌برند. زیرا آنها به اراده‌ی مردم باور ندارند و بر این باورند که

سوسیالیسم، بازتاب تشکیلاتی شایسته خود را نیافته است. ما به سهم خود می‌خواهیم، در داخل کردستان و در خارج کشور، در سطوح مختلف، در میان سازمان‌های سیاسی که خود را چپ و سوسیالیست می‌نامند و در میان محافل پراکنده مختلف، با همین گرایش، روحیه وحدت طلبی و همکاری را تشویق کنیم. ما و کمیته کردستان حزب حکمتیست محور حرکت نیستیم، بلکه دو سازمان معین هستیم که بر روی یک چنین استراتژی توافق کلی داریم. تلاش‌های اولیه‌ای برای جلب توجه نیروهای بالقوه و بالفعل صورت گرفته است. اما در این زمینه هنوز در ابتدای راه هستیم. نهایتاً این تلاشها در یک نشست وسیع است که می‌تواند شکل نهایی به خود بگیرد.

\*\*\*

## تغییرات باید از داخل ایران صورت گیرد نه توسط دخالت‌های خارجی

ابراهیم علیزاده همچنین در مصاحبه‌ی ای با خبرگزاری فرات نیوز به پرسش‌های زیر پاسخ داده است.

**خبرگزاری فرات: آیا تلاش‌هایی برای تشکیل جریان‌های چپ و دمکرات خارج از جریان‌های پان ایرانی و حزب‌های کردی صورت گرفته است؟**

ابراهیم علیزاده: در شرایط کنونی اپوزیسیون ایرانی و کردی بیشتر به تکاپو افتاده‌اند، هر کس سعی دارد با توجه به تفکر و باور خود برای فردای پس از رژیم جایگزینی ایجاد کند. تحرکاتی که در حال حاضر وجود دارد بسیار با گذشته متفاوت است. هر گروه حامل پیامی از طرف یک قشر خاص است اما مسئله این است که کدام تفکر و پروژه شانس بیشتری خواهد داشت. به نظر من جمع شدن تمام گروه‌ها و ایجاد یک هدف مشترک و جایگزین مورد قبول همه زیاد محتمل نیست. اما به نظر ما تنها یک آلترناتیو رادیکال، انسانی، سوسیالیستی و کارگری می‌تواند پاسخگوی همه‌ی اقشار جامعه باشد. ما بر این باوریم که حتی اگر نیروهای چپ و رادیکال در حال حاضر ضعیف باشند و تغییرات آنقدر سریع رخ داده‌اند که ما نتوانسته‌ایم با آن پیش روییم اما این وضع تغییر خواهد کرد و فرصت مناسب برای نیروهای



فرشید شکری

## مبارزه و طبقاتی در شرایط کنونی

حق طلبی، جدالی سیاسی محسوب می شود؛ با این تفصیل مبارزه ی کارگران هنگامی رنگ و بوی سیاسی بخود می گیرد و از مبارزه ای صرفاً اقتصادی عبور می کند که خواست های ستمدیدگان جامعه ( تهیدستان، حاشیه نشین ها، کارگران بیکار، زنان و جوانان، و ملل تحت ستم ) در آن انعکاس یابند و از این مهمتر این مدافعه و دخالتگری «معطوف به کسب قدرت سیاسی باشد».

با اینکه در سال های سپری شده تشکل های فعالین رادیکال جنبش کارگری در بیانیه ها و قطعنامه هایی که بمناسبت اول ماه مه تدوین و تنظیم کرده اند، به این امر پرداخته اند و مضاف بر مطالبات کارگری همچون افزایش دستمزدها، پرداخت دستمزدهای معوقه، خاتمه دادن به بیکارسازی ها و اخراج کارگران، لغو و ممنوعیت کار کودکان، آزادی بی قید و شرط رهبران و کنشگران کارگری و دیگر زندانیان سیاسی، لغو قراردادهای موقت، ایمنی محیط کار، و قس علیهذا، به حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی، و خواست و مطالبات زنان، جوانان، و ملل تحت ستم هم اشاره نموده اند. با این اوصاف، بسنده و اکتفاء کردن به این قطعنامه ها در روز جهانی کارگر یا سایر مناسبت ها مثل روز جهانی زن، روز جهانی کودک و غیره، کافی نیست و بایسته است تا این خواسته های سیاسی و اجتماعی در هر تجمع و اعتراض کارگری در کنار مطالبات صنفی قرار گیرند.

واقعیت این است، طبقه ی کارگر ایران خود قربانی اصلی سرکوب آزادی های سیاسی و مدنی، و تمامی تبعیضات و نابرابری های موجود است و در کنار تحمل استثمار، بیکاری، گرانی و تورم، و فقر و فلاکت اقتصادی، از تبعیض جنسیتی، ستم ملی و مذهبی، و معضلات بی شماری که زندگی و آینده ی اکثریت ساکنین کشور را به مخاطره انداخته اند، شدیداً رنج می برد. طبقه ی کارگر ایران با پوست و گوشت و استخوان خود این دردها را کشیده و لمس کرده است، بنابر این برای خاتمه دادن به مصائب و پلشتی هایی که رژیم بورژوا - اسلامی حاکم به بار آورده، پیکارهای طبقه ی کارگر به سهولت به حرکت های آزادیخواهانه و برابری طلبانه ی توده ها پیوند می خورند. یقیناً، به همان ترتیب که در بطن و متن مبارزه ی اقتصادی سطح آگاهی طبقاتی کارگران

خواهند کرد تا از انحصارهای اقتصادی خویش دفاع کنند و آن ها را تداوم بخشند. پس ایشان نه تنها به رهایی کارگران کمک نخواهند کرد، بلکه همچنان راه آن را با هر مانع قابل تصویری سد خواهند کرد ... بنابراین، تسخیر قدرت سیاسی، اینک وظیفه ی بزرگ طبقات کارگر شده است». (خط تأکید از من است)

ایضاً، لنین در جزوه ی وظایف سوسیال دموکرات های روسیه ( ۱۸۹۷ میلادی ) روی مبارزه حول و حوش آزادی های سیاسی، و پشتیبانی از برآمدها و خیزش های حق طلبانه ی توده ای تأکید کرده است. وی در « چه باید کرد » هم نوشت: « نقش ضروری یک کمونیست این نیست که منشی اتحادیه ی کارگری باشد. به عبارت دیگر، این نیست که رهبر مبارزات برای اصلاح و بهبود وضع طبقه ی کارگر در چارچوب نظام سرمایه داری باشد؛ بلکه این است که تربیون مردم باشد. یعنی کسی که عمیقاً بر ستم ها و جنایات نظام سرمایه داری پرتو می اندازد و نشان می دهد که اینها چگونه به طرق مختلف بر قشرهای گوناگون مردم تأثیر می گذارند و هر کدام از این قشرها چگونه به رخدادهای مهم جامعه و دنیا پاسخ می دهند. یعنی کسی که علل ریشه ای و روابطی که بنیان همه ی این ستم ها و بی عدالتی ها است را به شکلی قانع کننده و مؤثر بر ملا می کند؛ و از این طریق نیاز به انقلاب و برقراری یک جامعه ی نوین سوسیالیستی و در نهایت کمونیستی، و نقش تعیین کننده ی طبقه ی تحت استثمار در جامعه ی سرمایه داری فعلی یعنی پرولتاریا را در به ثمر رساندن این دگرگونی انقلابی به مثابه ی بخشی از انقلاب جهانی پرولتری نشان می دهد». (خطوط تأکید از من است).

تمرکزمارکسیست ها و کمونیست های انقلابی بر این شکل از اشکال مبارزه ی طبقاتی (اقتصادی، ایدئولوژیک، و سیاسی) بدین معنا نیست که دیوار و حائلی مابین مبارزات اقتصادی کارگران با مبارزات سیاسی وجود دارد. هر چند پیکارهای کارگری به هدف تحقق مطالبات و حقوق انسانی اشان فی نفسه درافتادن با منافع طبقاتی سرمایه داران و دولت اشان می باشد که این خود مبارزه ای سیاسی است؛ و اگر چه در هر جا کارگران در برابر تعدی و تعرض کارفرماها و دولت سرمایه داران به حقوقشان اعتصاب و اعتراض می کنند، این ایستادگی و

«استاد (پروودن) بی اعتنایی به اقتصاد را موعظه می کرد تا آزادی و رقابت بورژوازی را "که تنها تضمین ماست" در امان نگهدارد، شاگردان بی اعتنایی به سیاست را موعظه می کنند تا تنها تضمین آزادی بورژوازی خود را حفظ کنند.» (بی اعتنایی به سیاست - کارل مارکس)

\*\*\*

مبارزات اقتصادی کارگران ایران برای اصلاح و بهتر شدن وضعیت کار و معیشت ایشان، بخش بسیار مهم و جدایی ناپذیر از جدال طبقاتی علیه بورژوازی حاکم است. اعتراضات و اعتصابات کارگران در بیش از یک دهه ی گذشته به ویژه در دو - سه سال اخیر، و مبارزات توده های تحت ستم برای نان و کار و آزادی در دیمه ۱۳۹۶ شمسی، که مجدداً در نیمه ی اول این ماه (مرداد) به مدت چند روز اعتراضات خیابانی وسیعی علیه فقر، بیکاری، گرانی، و بی مسکنی در شهرهای تهران، اصفهان، نجف آباد، شاهین شهر، مشهد، رشت، شیراز، کرج، اهواز، و... برپا شدند، به شدت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده، و حلقه ی محاصره به دور آن را تنگتر کرده اند.

اوضاع داخلی ایران، صرف نظر از کشمکش رژیم در خارج از مرزها، مبین این واقعیت است که جامعه آبهتن دگرگونی و تحولاتی است. با عنایت به این موضوع، ضروری است تا کنش و پراتیک فعالین رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری ایران - به عنوان بخش پیشرو طبقه ی کارگر - از راه اندازی، و هماهنگ کردن اعتراضات و اعتصابات کارگری حول مطالبات اقتصادی فراتر رفته و تلاش برای پیوستن کارگران به جدال های توده ای جاری و تغییر توازن قوا به سود طبقه ی کارگر و توده های ستمدیده به مشغله ی ایشان تبدیل شود.

مارکسیسم با تأکید روی مبارزات کارگران جهت کسب حقوق اقتصادی و امکانات رفاهی، جایگاه ویژه ای برای دخالتگری پرولتارها در سیاست، قائل است. کارل مارکس و فردریک انگلس در قطعنامه ی کنفرانس لندن درباره ی اهمیت فعالیت سیاسی طبقه ی کارگر نوشتند: «در مبارزه ی طبقه ی کارگر، جنبش اقتصادی، و کنش سیاسی این طبقه پیوندی ناگسستنی دارند».

در همین قطعنامه آمده است: «اربابان زمین و سرمایه، همواره از امتیازات سیاسی شان استفاده

سیاست‌های اقتصادی همگی آنها چیزی غیر از سیاست اقتصادی نتولیرالیستی که بشریت را به ورطه ی نابودی کشانده، نیست. ثالثاً آنان در تبلیغات‌شان «انقلاب» را معادل «خشونت» می‌گیرند و به بهانه ی پرهیز از خشونت و ترساندن توده ها از تبدیل



شدن ایران به سوریه، عراق، یمن، و... می‌خواهند از وارد شدن کشور به دوره ی انقلابی و وقوع امر انقلاب جلوگیری کنند تا تحول در ساختار سیاسی حاکم بر جامعه (کنار رفتن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی) از طریق طرح‌های غیر عملی‌ایی همچون "رفراندوم" و "انتخابات" صورت پذیرد که این کاملاً بیان‌دارنده ی مواضع ضد انقلابی آنان است.

نکنه ی بعدی این است که، تجربه ی جهانی مبارزه ی طبقاتی در قرون نوزدهم، بیستم، و این سده نشان داده که کارگران تنها از طریق حزب سیاسی خود قادر می‌شوند با نظم وارونه ی موجود تعیین تکلیف کنند. پیشروی پیکار طبقاتی علیه سرمایه داران و دولت‌اشان، و فتح یک به یک سنگرها و خاکریزهای بورژوازی، در گرو تحزب یابی کمونیستی کارگران می‌باشد. متشکل شدن کارگران در یک حزب کمونیست انقلابی به مثابه ستاد رهبری مبارزات کارگری و توده‌ایی، از شروط بسیار مهم مادیت یافتن انقلاب اجتماعی طبقه ی کارگر، برقراری حکومت کارگران، و ایجاد سوسیالیسم تا بنیاد گذاشتن جامعه‌ایی عاری از هر گونه ظلم و ستم، یعنی جامعه کمونیستی است. قدر مسلم، در وضعیت مشخص امروز هشیاری عناصر پیشرو طبقه ی کارگر به هدف روشنگری در مورد جریانات بورژوازی، کوشش برای تحزب کمونیستی کارگران، و اتحاد سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست در راستای ساخته شدن یک قطب قدرتمند چپ و سوسیالیستی، بسی ضرورت دارند.

کوتاه سخن اینکه، تأمین رهبری رادیکال خیزش‌ها و برآمدهای کنونی در ایران که به مداخله ی طبقه ی کارگر در سیاست و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت جنبش کارگری - کمونیستی بستگی دارد، و نیز پیروزی بدیل و آلترناتیو سوسیالیستی در مقابل بدیل‌های بورژوازی بدون پاسخ به این نیازهای مبارزه ی طبقاتی، ممکن نیست.

دوازدهم آگوست ۲۰۱۸

زرگوین



ماهیت و سیاست‌های اپوزیسیون بورژوا - لیبرال و ناسیونالیست توأم گردد.

جریانات بورژوازی سرنگونی طلب به غیر از چشم امید داشتن به دخالت قدرت‌های امپریالیستی، همچنین با همه ی توان و ظرفیت‌هایشان بر آنند تا مهر طبقاتی خود را بر تحولات آتی در جامعه بکوبند و به آلترناتیو و بدیل حکومت فعلی مبدل شوند. پر واضح است در صورت قدرت‌گیری آن جریانات، تحولات بنیادین در جامعه، و به عبارتی رهایی از ستم و استثمار طبقاتی هرگز حاصل نخواهند شد، لذا وظیفه ی عاجل عناصر پیشرو طبقه ی کارگر یا کارگران کمونیست این است که با فعالیت‌های آگاهگرانه ی خود توده‌های زحمتکش را از افتادن به دام آنان دور سازند. عناصر پیشرو طبقه ی کارگر این پتانسیل و ظرفیت را دارند تا علاوه بر کوشش برای به میدان آوردن توده‌های کارگر و شرکت دادن ایشان در جنبش اعتراضی، اجازه ندهند تا اپوزیسیون بورژوازی با دفاع و پشتیبانی ریاکارانه از خواسته‌های رادیکال طرح شده، توده‌های کارگر و مردم عاصی را متوهم کرده، به سمت خود بکشانند، و در نهایت از آنان برای رسیدن به قدرت استفاده کنند.

از این گذشته یکی دیگر از وظایف خطیر پیشروان رادیکال طبقه ی کارگر به زیر سؤال بردن و تقابل جدی و همه‌جانبه با دیدگاهها و نظرات آن کسانی در جنبش کارگری - کمونیستی است که در شرایط سیاسی حاضر (گسترش اعتراضات کارگری و مردمی علیه رژیم) چه در میان توده‌های کارگر و فرودست کشور، و چه در درون سازمان‌ها و احزاب متبوع، بذر خوشبختی نسبت به جریانات متعلق به "گرایش لیبرالیستی" را می‌پاشند، و یا بحث همکاری و اتحاد با طرفداران و سمپات‌های این گرایش (فعالین سیاسی و مدنی لیبرال و اصلاح طلب داخل و خارج) را پیش می‌کشند.

در مقابل چنین مواضعی، جا دارد [و بسی حیاتی است] تا توده‌های کارگر و مردم ستمدیده ی ایران بدانند، اولاً استراتژی طیف‌های ملون وابسته به گرایش لیبرالیستی حفظ نظام سرمایه داری است. ثانیاً برنامه یا

بالاتر می‌رود، پی‌بردن به تأثیرات مهم درهم آمیخته شدن جدال‌های ایشان با اعتراضات توده‌ایی در راستای رهایی از این وضعیت فلاکت‌بار و ایجاد دگرگونی‌های ریشه‌ای نیز حتمی است.

بدیهی است طرح و دفاع از خواست‌های دموکراتیک زنان، جوانان، و توده‌های تحت ستم از جانب کارگران، موجب تقویت جنبش‌های اجتماعی می‌گردد و همبستگی آنها را با جنبش کارگری تضمین می‌کند و بدین نحو طبقه ی کارگر به موقعیت رهبری و هدایت مبارزات درون جامعه، می‌رسد. وانگهی، با پشتیبانی طبقه ی کارگر از جنبش اعتراضی بی‌چیزان و وارد شدن به میدان کشمکش سیاسی، توده‌های زجر دیده و تهیدست ایران با اعتماد بنفس، جسارت و روحیه ی بهتری به سمت دستیابی به آزادی و حقوق انسانی‌اشان حرکت خواهند کرد. هیچ تردیدی وجود ندارد که در صورت گسترش و تعمیق یافتگی و استمرار این مبارزات، و سپس دست بردن به تاکتیک اعتصابات عمومی و سراسری به ابتکار عمل، و هدایت طبقه ی کارگر، ماشین سرکوب رژیم بورژوا - اسلامی از کار خواهد افتاد.

از این روی واجب است شبکه‌ها و محافل فعالین کارگری رادیکال و کمونیست به پیروی از آموزه‌های مارکسیسم، کارگران را به دخالت سیاسی بر ضد استبداد و اختناق حاکم ترغیب کنند تا با توانمند شدن برآمدهای کنونی و تغییر توازن قوا به ضرر رژیم، امر سرنگون کردن نظام اقتصادی - سیاسی حاکم، تسریع شود. تجربه ی سرنگونی رژیم سرمایه داری پهلوی در سال ۱۳۵۷ شمسی که توده‌های کارگر، بویژه کارگران شرکت نفت و دیگر مراکز کلیدی با اعتصابات سراسری و متحدانه در آن سهمی اساسی داشتند، این ضرورت را به طرز بارزی ثابت می‌کند.

در ادامه ی مبحث دخالت طبقه ی کارگر در سیاست، شایسته است تا نکاتی را در ارتباط با این مسأله ی مهم یادآوری کرد. در اوضاع و احوال فعلی که همانگونه رفت و همگان مستحضرند، از سویی نظاره گر اعتراضات پی در پی کارگران شاغل، کارگران بیکار، و حاشیه‌نشینان و تهیدستان می‌باشیم، و از سوی دیگر شاهد به میدان آمدن لایه‌های ضعیف خرده بورژوازی (خرده مالکان روستایی و خرده مالکان شهری مانند بازاریان و کسبه) در اعتراض به گرانی، کمبود آب، و بالا رفتن نرخ ارز و بی‌رونقی کسب و کار هستیم، مداخله ی طبقه ی کارگر در سیاست و تأمین رهبری مبارزات توده‌ایی علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی میباید با روشنگری در مورد

نصرت تیمورزاده

## جنگ تجاری موجود پیام آور کدام نظمی



نام دموکراسی پارلمانی و نقش مردم در جریان یک بمباران ایدئولوژیک مدام به پیش می برد و یکی از حربه هایش در مقابل بلوک شرق بود، به زیر سؤال می رود. اگر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در مقیاس کلان نظم نئولیبرالی را حفته می کنند، در اروپا علاوه بر آنها موسسات سه گانه ی اروپایی تا حد برکنار کردن دولت ها به پیش می برند. تضعیف مکانیزم های سیاسی جامعه ی بورژوازی از یک سو و سرشکن کردن تمام بار بحران به آسیب پذیرترین لایه های تحتانی جامعه یعنی مزدبگیران، خود بحران مشروعیت موسسات و احزاب سنتی را بیشتر می کند.

و همین امر پایه ی مادی عروج احزاب ناسیونالیستی و راسیستی و به قدرت رسیدن آنها در بعضی از کشورهای اروپایی می گردد. مهاجر ستیزی، مخالفت با موسسات اروپایی و حتی گریز از اتحادیه ی اروپا و بازگشت به اقتصاد حمایتی، برخی از مشخصه های این احزاب و دولتها هستند. ترامپ بیان همین امر در قدرتمندترین کشور امپریالیستی جهان است. زمانیکه اعلام می شود ثروت چهارصد نفر از ثروتمندان آمریکایی معادل شصت و یک درصد پایین جامعه است در این صورت تعجب آور نخواهد بود که "رویای آمریکایی" که گویا بر مبنای آن در جامعه ی آمریکا همه شانس برابر دارند، پوست می اندازد. و بی جهت نیست که ترامپ با شعار "بازگشت به آمریکا ی بزرگ" می خواهد این رویا را در این بخش جامعه زنده کند.

"آمریکا اول" ترامپ این پیام را برای متحدین آمریکا داشت که نظم دوران پس از جنگ که کشورهای امپریالیستی غرب و هم پیمانان شان در چهارچوب این نظم مناسبات خود را تنظیم می کردند، در حال فروپاشی است. ترامپ آشکارا اعلام کرد که به هیچ پیمان، قرارداد و نظمی که در تقابل با استراتژی "آمریکا اول" او قرار گیرد پای بند نخواهد بود. او این را در ماه های پیشین در لغو مذاکرات قرارداد تجاری بین اتحادیه ی اروپا، آمریکا و کانادا، خروج از معاهده ی اقلیمی پاریس، تجدید نظر در قرارداد "نفتا" (قرارداد تجاری بین آمریکا، کانادا و مکزیک)، خروج

شکاف برداشته است. نئولیبرالیسم با هجوم خود از اوائل دهه ی هشتاد تنها منجر به تغییرات اساسی در کارکرد نظام سرمایه داری نگشت. مادیت بخشیدن به این هجوم نیاز به توجیه ایدئولوژیک - سیاسی داشت. نیاز به تغییر در ساختار دولت ها و موسسات بین المللی داشت. اگر هایک جانشین کینز می گردید، دولت رفاه هم جای خود را باید به دولت های نئولیبرال و لاغر می داد. ریگانیسم در آمریکا و تاجریسم در انگلستان برجسته ترین نماد این تغییر در دولت های سرمایه داری بودند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به تعیین کننده ترین موسسات جهت به خط کردن اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در چهارچوب نظم نئولیبرالی گشتند. کمپانی های عظیمی که در کشورهای متروپل سرمایه داری در مقیاس بسیار گسترده ای کارگران را در خود جمع کرده بودند پروسه ی انتقال خود را به خارج از مرزهای این متروپل ها آغاز می کنند. منطقه ی "رور" در آلمان یعنی صنعتی ترین بخش آلمان، مرکز معادن ذغال سنگ و فولاد، "دیترویت" در آمریکا، جایی که صنعت اتومبیل سازی آمریکا با آن نام شناخته می شود و یا "منچستر" در انگلستان شاید برجسته ترین نمونه های این خروج از صحنه بوده اند. همزمان ما شاهد آن بودیم از آنجا که انباشت سرمایه در بخش صنایع با محدودیت روبرو می شود، پدیده ی دیگری با قدرت هرچه تمام تر خود را به وسط صحنه می کشاند. این پدیده گسترش اقتصادمجازی و یا بورس است. سرمایه برای ادامه حیات نیاز به انباشت دارد. اگر این را از طریق اقتصاد واقعی کسب نکند به سمت دیگری سوق پیدا می کند. از این رو دولت ها به معنای واقعی کلمه به کارگزاران و تنظیم کنندگان قوانینی مبدل می گردند که باید دست بازار را بیش از پیش باز بگذارند. اصطلاح "بازار خودش تنظیم می کند" - اسم رمز نظم نئولیبرالی - به گفتمان عمومی تبدیل شده و تعرض به همه ی خدمات اجتماعی که از جانب دولت ها داده می شد، گام به گام فاصله ی مردم را از هئیت حاکمه دور می سازد. مکانیزم های جامعه ی سرمایه داری و آن چیزی را که بورژوازی به

زمانی که در اول ماه ژوئن ترامپ رئیس جمهور آمریکا آغاز تعرفه های گمرکی جدید بر ورود آلومینیوم و فولاد از اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک را اعلام کرد، شاید برای بسیاری هنوز تصور اینکه نظم جاری نئولیبرالی دارد ترک های بزرگی بر می دارد، باورنکردنی می نمود. ولی واقعیت این بود آن عاملی که ترامپ را به قدرت رسانده و روند کنونی را رقم می زد، مدتها قبل و حتی مشخص تر می توان گفت از آغاز عظیم ترین بحران جهان سرمایه داری در سال ۲۰۰۸ خود را نمایان ساخته بود. با آغاز این بحران معلوم گشت که اقتصاد جهان سرمایه داری دست خوش تغییرات عظیمی شده است. بخش بزرگی از سرمایه و صنایع به کشورهای پیرامونی سرازیر شده اند، جایی که طبقه ی کارگر در جهمی ترین شرایط جهت انباشت سرمایه و تداوم سوخت و ساز جامعه ی سرمایه داری، ارزش افزوده ی نجومی تولید می کند. و در مقابل آن چیزی که نصیب او می شود حتی در بسیاری از موارد کفاف حفظ نیروی جسمانی اش جهت شرکت در تولید هم نیست.

اینکه فاصله ی بحران های ادواری نظام سرمایه داری کمتر شده و هربار عمیق تر و طولانی تر از بار قبل به صحنه می آید، نشانه های آشکاری بود که جامعه ی سرمایه داری اهرم های اندکی برای کنترل و مهار بحران خویش در اختیار دارد. دولت های سرمایه داری راه حل را در آن دیدند که جهت کنترل بحران هزاران میلیارد به بانک ها و موسسات مالی و صنعتی تزریق کنند. نتیجه افزایش سرسام آور بدهی دولت ها بود. در واقع بحران بدهی دولت ها جای گزین بحران موسسات مالی گردید. اگرچه تحلیل گران اقتصادی غرب به ویژه در سال ۲۰۱۳ این امر را القاء می کردند که گویا سرمایه داری به آرامی در حال خروج از بحران است ولی واقعیت نشان می داد که در پی انهدام جهان دو قطبی و سپس به زیر سؤال رفتن هژمونی آمریکا در جهان غرب و سربرآوردن قطب های جدید اقتصادی که با خود هرج و مرج و آناشسی بی سابقه ای را به همراه آورده بود، اکنون نظم نئولیبرالی سرمایه داری و جهانی سازی مطابق این الگو



می برد. در این میان تحریم های آمریکا علیه ایران خود فشار دیگری بر اقتصاد ترکیه است و امکان مانور آنرا در مقابل آمریکا محدودتر می کند. اکنون هر سه این کشورها صحبت از جایگزینی دلار با یورو و حتی مبادلات تجاری با واحدهای پولی متقابل می کنند.

خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و اعلام جنگ تجاری از جانب آمریکا و بازگشت به اقتصاد حمایتی از جانب دو کشوری که پیشقراولان نظم نئولیبرالی بودند چالش بزرگی در مقابل این نظم است. با وجود اینکه اتحادیه ی اروپا، کانادا و چین اعلام کردند که همچنان به تجارت آزاد پایبند هستند ولی تا همینجا هم آشکارا می توان گفت که نظم نئولیبرالی سه دهه ی گذشته ترک های اساسی برداشته است. در شرایط عدم کارگرد مکانیزم های این نظم بدون تردید رقابت ها در بین دول سرمایه داری و قطب های موجود تشدید خواهد یافت. دور از انتظار نیست که مکانیزم های جدیدی شکل گیرد که دیگر فراگیر و جهانی نبوده و بر مبنای منافع موردی عمل می کند. و این اما می تواند از رقابت در حوزه های اقتصادی فراتر رفته و خطر رقابت های نظامی و در این رهگذر جنگهای نیابتی را افزایش دهد. این امر را همین چند روز گذشته در جریان حجم اختصاص داده شده به تسلیحات نظامی در بودجه سالیانه آمریکا میتوان مشاهده نمود.

ترامپ در حالیکه دوشنبه شب امضا خود را بر بودجه ی نظامی آمریکا برای سال مالی آینده که از اول ماه اکتبر آغاز شده و معادل ۷۱۶ میلیارد دلار است، می گذارد اعلام کرد " برای اینکه هژمونی آمریکا را حفظ نمائیم باید همواره در بهترین وضعیت نظامی باشیم. " در این بودجه ۷۰ میلیارد دلار هزینه ی حضور نظامی آمریکا در خارج از مرزها به ویژه افغانستان، عراق و سوریه منظور گشته است.

بدون تردید جنگ تجاری آغاز شده هرج و مرج و تلاطم حاکم بر جهان را افزایش خواهد داد با این وجود نباید فراموش کرد که در دل خطرات همواره فرصت ها نیز موجودند، برهم خوردن نظم نئولیبرالی حاکم می تواند فرصت برای فراهم نمودن شرایط جهت پایان دادن به هرج و مرج و تلاطم ها را به وجود آورد. این فرصت ها را نباید از دست بدهیم.

بیست و چهارم مرداد ۱۳۹۷

پانزدهم اوت ۲۰۱۸



ماه اوت ترامپ یک بار دیگر چین را تهدید کرد که بر تمام واردات از چین که به میزان پانصد میلیارد دلار در سال است تعرفه های گمرکی بسته خواهد شد. چین البته محدودیت های بیشتری در این جنگ تجاری دارد چراکه واردات چین از آمریکا تنها یکصد و سی میلیارد در سال است یعنی یک چهارم حجمی که ترامپ برای دور بعدی افزایش تعرفه های گمرکی اعلام کرده است.

هرچند که اتحادیه اروپا بعد از ملاقات رئیس کمیسیون اتحادیه با ترامپ و توافقات اعلام شده از جانب آن دو تا حدودی اظهار رضایت نمود ولی باید توجه کرد که خارج کردن صنایع اتومبیل سازی اروپا از تیر رس تعرفه های گمرکی بیش از همه در خدمت صنایع اتومبیل سازی آلمان بوده و بازنده توافقات اعلام شده سایر کشورهای اروپایی بودند که خود این امر شکاف های موجود در اتحادیه اروپا را عمق بیشتری خواهد بخشید. با این وجود شمشیر جنگ تجاری همچنان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر فراز اروپا در چرخش است چراکه جنگ تجاری علیه چین تحریم های جدید علیه ایران، روسیه و ترکیه غیر مستقیم تاثیرات خود را بر اقتصاد اروپا و لاجرم بر اقتصاد جهان خواهند گذاشت. با وجود محدودیت تحریم های وضع شده، نخست وزیر روسیه آشکارا از " جنگ اقتصادی " آمریکا علیه روسیه

از برجام و .... نشان داده و همزمان شیور برپایی جنگ تجاری را نواخته بود. هرچند که او تنها از "قراردادهای ناعادلانه ی تجاری به ضرر آمریکائیان" صحبت کرده و به رقباى خود و متحدینش هشدار داده بود، ولی هشدارترین نمایندگان نظم نئولیبرالی آشکارا از لفظ "جنگ تجاری" استفاده می کرده اند. قبل از همه این مکرون برجسته ترین نماینده ی نظم نئولیبرالی در اروپا بود که خطاب به ترامپ گفت "ناسیونالیزم اقتصادی به جنگ ختم خواهد شد و این همان چیزی است که در سالهای دهه ی سی قرن گذشته اتفاق افتاد." به دنبال او مسئول تجارت کمیسیون اتحادیه ی اروپا اعلام کرد که " آمریکا با این کار بازی خطرناکی را آغاز کرده است و این بر اقتصاد جهان اثر خواهد گذاشت." این به اصطلاح بازی خطرناک اما با همه ی کوشش هایی که مقامات اروپایی در دیدارهای خود با ترامپ انجام دادند، نه تنها خاتمه نیافته بلکه بسیار گسترده تر از آن چیزی گشت که در ماه های گذشته از جانب ترامپ طرح شده بود.

علی رغم اینکه اعلام جنگ تجاری در ابتدا با بستن تعرفه های جدید گمرکی بر واردات آلومینیوم و فولاد از اتحادیه ی اروپا آغاز گشت ولی کاملاً روشن بود که این جنگ تجاری دیر یا زود متوجه دیگر متحدین و رقیبان دیرین آمریکا یعنی چین و روسیه هم خواهد شد.



اگر قرار است آمریکا قدر قدرتی خود را در حوزه ی اقتصادی نیز تثبیت کند، در این صورت تنها می تواند با حمله به منافع متحدان و رقیبان خویش به آن مادیت ببخشد. هر چند که چین دولت آمریکا را به سوء استفاده از قوانین تجارت جهانی متهم کرده و هشدار داده بود که این کشور آماده است اقدام آمریکا را تلافی کند و علیرغم اینکه اعلام کرد که تعرفه گمرکی برای هزار و چهارصد چهل و نه کالای وارداتی را از اول ماه

ژوئیه تا شصت در صد کاهش خواهد داد ولی دولت آمریکا اعلام کرد چنانچه مذاکرات با چین موفقیت آمیز نباشد در مرحله اول نزدیک به سی و چهار میلیارد و در مرحله ی بعدی تا دو بیست میلیارد دیگر تعرفه های گمرکی بر کالاهای چینی بسته خواهد شد. بدیهی بود که چین نمی توانست به خواست های آمریکا گردن گذارد و لذا در هر مرحله به همان میزان که آمریکا بر کالاهای چین تعرفه ی گمرکی تعیین کرده بود، اقدام متقابل نمود. در سوم

## فشار بیشتر بر زندگی مردم در بازگشت تحریم ها

داری نگران است که مبدا با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به دست مردم کنترل اوضاع از دستشان خارج شود. موضع گیریهای مکرر ترامپ و دیگر کاربدهستان آمریکا مبنی بر اینکه قصد سرنگونی رژیم را ندارند و تنها می خواهند رژیم را پای میز مذاکره برای امتیاز دهی بیشتر بکشاند از این واقعیت ناشی می شود.

اما در این میان آنکه ضرر مند اصلی از تحریم ها خواهد بود کارگران و توده های مردم تهیدست و کم درآمد ایران هستند. دود تحریمهای ضد انسانی آمریکا، قبل و بیش از همه به چشم آنها می رود. آنها هستند که سقوط بهای پول رایج، قدرت خرید ضعیف شان را ضعیف تر و خود و خانواده شان را گرسنه تر و بی نوا تر می سازد. آنها هستند که با بسته شدن کارخانه ها و شرکتها کارشان را از دست می دهند. آنها هستند که اعتراضاتشان به وضعیت فلاکت بار زندگی به بهانه تحریم مورد هجوم وحشیانه تر رژیم قرار خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی در مانده تر از آنست که بتواند حتی بدون تحریم ها هم بر بحران های همه جانبه اش فایق آید. در فاصله سه سال گذشته که تحریمی نیز در کار نبوده، بحران زندگی و معیشت مردم، نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه مدام تشدید هم شده است. اوضاع معیشتی مردم ایران وخیم تر شده است. بیش از ۷۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر به سر می برند. گرسنگی مطلق در جامعه به ۳۰ درصد رسیده است، بی خانمانی و تن فروشی و اعتیاد افزایش یافته است. در همین فاصله که تحریمی هم در کار نبوده است، از جمله در دیمه گذشته، اعتصابات و مبارزات کارگران، زنان به جان آمده از حاکمیت اسلام زن ستیز، جوانان و دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر اقشار جامعه رشد کمی و کیفی قابل ملاحظه ای داشته است و با شتاب بیشتری در پیشروی بوده است. اکنون مانند روز روشن است که رژیم علیرغم تهدیدهای توخالی و بی محل رهبر و سایر کار به دستانش، چاره ای جز رفتن پای میز مذاکره و قبول خواسته های آمریکا نخواهد داشت و دیر یا زود درخواست "شیطان بزرگ" را لیبیک خواهد گفت.

برگرفته از سخن روز

تلویزیون حزب کمونیست ایران

۲۰۱۸-۱۱-۰۸ | ۱۳۹۷-۲۰-۰۵



آمریکا بر سر مشکلات مربوط به خودروسازی و تعرفه های بازرگانی کشمکش هایی دارند، شدیداً از اقدام آمریکا در اعمال تحریم ها برآشفته شده اند. آنها تلاش دارند با وضع قوانین و مقرراتی برای در امان ماندن شرکتهای کوچک و متوسط از تحریمها راه حلی پیدا کنند. موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بیانیه مشترکی با وزیران خارجه آلمان، فرانسه و بریتانیا اعلام کرد که تلاش می کنند مسیر سرمایه گذاری با جمهوری اسلامی را باز نگهدارند و از منافع شرکتهای اروپایی محافظت کنند. اما بسیاری از شرکتهای بزرگ صنعتی و تجاری نفتی و خودروسازی و مؤسسات مالی اروپایی قبل از آنکه موعد تحریمهای آمریکا فرارسد یکی یکی چمدانهای خود را بستند و از ایران خارج شدند. طبیعی است آنها دنبال منافع خود می باشند و حاضر نیستند به خاطر حفظ برجام و مصالح سیاسی اتحادیه اروپا، دسترسی به بازار عظیم و پُر امکانات آمریکا را فدای ماندن در بازار نا مطمئن و بی ثبات جمهوری اسلامی نمایند.

تا آنجا که به موضع آمریکا مربوط می شود، تصمیم به خروج از برجام و اعمال تحریم ها بی ربط به رقابت و کشمکش بر سر منافع سرمایه با دیگر قطب های امپریالیستی مانند چین، روسیه و اتحادیه اروپا نیست. آمریکا سهم خود از بازار ایران را می خواهد و در شرایط بحران مُزمن و جهانگیر سرمایه داری نمی تواند شاهد انحصار بازار ایران در دست رقبایش باشد. به این منظور می خواهد جمهوری اسلامی را پای میز مذاکره بکشاند تا ضمن بدست آوردن و تأمین سهم اقتصادی خود، از ظرفیتهای رژیم در حل بحرانهای منطقه به نفع خود استفاده نماید. از سوی دیگر در شرایطی که اعتصاب و اعتراضات روزانه زنان و مردان کارگر و توده های مردم زحمتکش در ایران رو به گسترش است و کل حاکمیت رژیم را نشانه گرفته است، آمریکا را نیز مانند دیگر دولت های سرمایه

دور اول تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی، روز سه شنبه ۱۶ مرداد دوباره به اجرا درآمد. این تصمیم سه ماه قبل به دنبال خروج یک جانبه آمریکا از برجام توسط ترامپ گرفته شد. بنا به این تصمیم چنانچه در فاصله سه ماه جمهوری اسلامی پای میز مذاکره برای قبول شروط آمریکا نرود، از روز سیزدهم آبان دور دوم تحریمها نیز به آن اضافه خواهد شد که بسیار سنگین تر خواهند بود. دور دوم تحریمها شامل: فعالیت های مربوط به بنادر ایران، داد و ستد وابسته به نفت از جمله خرید نفت، فرآورده های نفتی و فرآورده های پتروشیمی از ایران؛ مبادلات مالی، بخش انرژی، و بخش خدمات بیمه ای خواهد بود.

وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی بر اثر تداوم بحران و فساد و دزدی نهادینه شده در آن، آنچنان آشفته و نابسامان است که تنها اعلام خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ماه، موجب سقوط شدید بهای ریال، بالا رفتن قیمت مواد خوراکی، توقف بیشتر تولید و خروج بسیاری از شرکت های خارجی از ایران گردید.

تحریم های اعمال شده کنونی شامل مبادلات ارزی، خرید و فروش طلا، فلزات قیمتی، فولاد و آلومینیوم و تحریم صنایع ماشین سازی، ممنوعیت فروش هواپیمای مسافری و قطعات یدکی و همچنین فروش نرم افزار کنترل صنعتی و خرید تولیدات ایران مثل فرش، پسته، خاویار هم می باشد. به این ترتیب از هم اکنون فروش دلار و هرگونه دور زدن برای آن و حتی ایجاد تسهیلات برای خرید و فروش و نقل و انتقال دلار به ایران ممنوع و شامل جریمه خواهد شد. فروش کالا به ایران در مقابل طلا و فلزات گران قیمت نیز به همین شکل ممنوع شده است. تحریم ها حتی شامل خرید و فروش ریال و اوراق بهادار ایران هم می شود. در رابطه با صنایع خودرو سازی نیز چنانچه اشخاص، بانک ها، شرکت های خودرو سازی و دولتهایی به جمهوری اسلامی برای دسترسی به قطعات و یا تأمین مالی آن کمک نماید، از دسترسی به بازارهای آمریکا محروم خواهند شد.

تصمیم ترامپ در رابطه با تحریم رژیم، مورد استقبال برخی از دشمنان جمهوری اسلامی از قبیل عربستان سعودی، امارات متحد عربی و اسرائیل قرار گرفت. اما برخی دیگر از دولتها مانند روسیه، ترکیه و چین که با جمهوری اسلامی مبادلات بازرگانی دارند، از آن ناخوشنودند. دولتهای اتحادیه اروپا که خود با

## درد مشترکی که زنان و مردان جامعه بر علیه آن به خروش آمده اند!



در سرزمین ما نقاشی هست  
که مردابی بوم اوست  
او در این مرداب  
عشق را از جان  
شادی را از سینه  
آواز را از لب  
نان را از سفره  
آب را از چشمه  
و هوا را از نفس می گیرد  
او در این مرداب  
رویا را از سر  
آرزو را از دل  
آزادی را از خیابان  
عدالت را از قانون  
و تساوی را از حقوق می گیرد  
در این مرداب تنها تن های ما نیست  
که در زندان ها اعدام می گردد  
در این مرداب  
شادی و رویا و آرزوهای ما  
نان و آب مان  
آزادی و عدالت و حقوق ما هم  
هر روز و هر ساعت اعدام می گردد  
و این ماییم  
فقط ماییم  
که باید نقاش را از پا دراندازیم  
و گرنه بوم  
همان بوم است و مرداب همان مرداب.

ناهید وفائی  
۱۱,۰۸,۱۸

ایدئولوژیک رژیم را هدف گرفته اند و می دانند که حجاب، نماد کل فرودستی و تحقیر آنان در جامعه است. اما درد اصلی آنها درد مشترک همه فرودستان و استثمار شدگان و محرومان جامعه است.

اما حضور گسترده امروز زنان در صفوف مبارزات حق طلبانه در ایران، جریانی بدون زمینه نیست. درد اصلی زنان این جامعه، همان دردی است که اکثریت جامعه ایران برای علاج آن به خروش در آمده است. اگر فقر در ایران بیداد می کند، زنان قربانیان ردیف اول آن هستند. اگر بیکاری بیداد می کند بیشترین سهم آن نصیب زنان است. در حالیکه اکثریت فارغ التحصیلان دانشگاههای ایران را زنان تشکیل می دهند، اکثریت آنها بیکار هستند. آمارها نشان می دهند که از مجموع ۱۱ میلیون و ۸۳۹ هزار فارغ التحصیل دانشگاههای ایران، تنها پنج میلیون نفر آنها شاغل هستند که در این میان تعداد زنان شاغل تنها یک و نیم ملیون نفر است. در مجموع سهم زنان از کل بازار کار ایران کمتر از بیست درصد است. مطابق آمارهای دولتی نزدیک به چهار میلیون زن سرپرست و نان آور خانواده وجود دارد، که بیش از ۸۰ درصد آنها بیکاراند.

در اعتراض به این بی عدالتی ها و در نتیجه درد مشترکی که زنان با مردان هم سرنوشت خویش دارند، امروز آنها را در صف مقدم مبارزات سیاسی و تظاهرات خیابانی می بینیم. اما این حضور گسترده مبارزانی نیز بدون زمینه نیست. زنان نخستین بخشی از جامعه معترض بودند که دریافتند در سیمای اصلاح طلبان حکومتی نور امیدی به رهایی نیست، زیرا در شعارها و مطالبات و رفتار آنها چیزی از آنچه که در دل داشتند و آرزو می کردند نیافتند. طی سالهای اخیر هر جا حرکت و اعتراضی در جریان بوده است، در صف مقدم تظاهرات، در جنگ و گریزهای خیابانی، در اعتراضات در جلو درب زندانها و در بازداشتگاهها و شکنجه گاهها، همه جا سیمای مصمم زنان را می یابیم که عزم خود را جرم کرده اند تا دستیابی به حقوق انسانی خود از پای نینهند.

۰۵-۱۷-۱۳۹۷ | ۰۸-۰۸-۲۰۱۸

خبرگزاری حکومتی "فارس" وابسته به سپاه پاسداران، در گزارشی درباره تظاهرات اعتراضی در تهران، با تأکید اعتراف می کند: «نکته قابل توجه، اینکه همچون روزهای گذشته رهبران افراد معترض زنان بودند. و ادامه می دهد که، طبق مشاهدات میدانی خبرنگاران این خبرگزاری، رهبران اعتراضات این بار اکثراً زنان هستند. گزارشها و فیلم های خبری که در شبکه های اجتماعی انتشار یافته اند، نیز نشان می دهند که با آغاز موج دوم تظاهرات اعتراضی علیه فقر، گرانی و بیکاری در ایران زنان حضور چشمگیری نسبت به اعتراضات دیماه سال گذشته دارند. این تصاویر نشان از حضور زنان کارگر معترض به وضعیت اقتصادی، همسران کارگران با حقوق های عقب افتاده و مادران فرزندان بیکار مانده، و در کل زنان به جان آمده و خشمگین از فساد و بیکاری و تبعیض و وعده های دروغین در جمهوری اسلامی دارد.

حضور گسترده زنان در مبارزات و اعتراضات توده ای اخیر در ایران بار دیگر اهمیت حضور زنان در هرگونه حرکت و مبارزه ای برای تغییر وضعیت موجود را نشان داد. زنان ایران فرصتی به دست آورده اند تا خشم فروخته دهها ساله خود را علیه شکاف های طبقاتی، عیله فقر و فلاکت موجود در جامعه و در عین حال رژیم اسلامی و قوانین ضد انسانی اش نشان دهند. اعتراضات جسورانه فردی بر علیه حجاب اجباری، جای خود را به رهبری تظاهرات خیابانی داده است. زنان مبارز و جسور دست در دست مردان هم سرنوشت خود، "نان و آزادی" را فریاد می زنند.

بسیاری کوشیدند که نشان دهند گویا مطالبات و ناراضیاتی زنان در حد اعتراض به حجاب اجباری است. پاره ای از اصلاح طلبان ورشکسته نیز کوشیدند، در لابلای قوانین شریعت، فرجه ای برای عقب نشینی رژیم در این زمینه باز کنند و در یک چشم بندی فریبکارانه، صف زنان آزاده را از صف زحمتکش هم سرنوشت خود جدا کنند. اما آنچه که شاهد آن بودیم، نشان داد که مبارزات زنان نه در سطح بلکه در عمق جامعه جریان دارد. اگر به حجاب اعتراض می کنند، در واقع یکی از بنیادهای



# اعتصاب سراسری گامی مهم در تکامل مبارزات کارگری



کارگران راه آهن، روز دوشنبه اول مرداد ماه رانندگان کامیون و کامیون داران در دهها شهر و استانهای مختلف کشور مطابق فراخوانی از قبل اعلام شده دست به اعتصاب سراسری زدند. علاوه بر اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، شاهد اعتصاب دو هزار تن از کارگران کوره پزخانه های تبریز، اعتصاب کارگران کارمندان شرکت پتروشیمی ماهشهر، کارگران نیشکر هفت تپه و چندین اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران در دیگر نقاط ایران در همین نیمه اول مرداد ماه بودیم. استمرار و همزمان شدن این اعتصابات و تجمع های اعتراضی حول خواسته های مشابه، زمینه عینی به هم مرتبط شدن و ایجاد هماهنگی در رهبری این مبارزات را فراهم آورده است. در این راستا طرح مطالبات واحد به وحدت مبارزات کارگران کمک می کند. همین ساده ترین شکل وحدت از طریق مطالبات و شعارهای واحد به فعالین و پیشروان کارگری امکان می دهد تا روحیه همبستگی و رفاقت کارگری، تشکل پذیری و اعتماد به نفس و باور به قدرت طبقه کارگر را در میان کارگران بالا ببرند.

اما هم جهت کردن، هماهنگی و همزمانی مبارزات کارگران در بخش های مختلف و جلب به موقع همبستگی و حمایت واحدهای مختلف از یکدیگر بدون ارتباط نزدیک میان رهبران و فعالین کارگری پیشرو و مبارزی که سر رشته مبارزه در واحدهای مختلف را در دست دارند، ممکن نیست. در نبود تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران که بتوانند مبارزات پراکنده کارگران را یکپارچه و در ابعاد سراسری رهبری کنند، این رهبران و فعالین کارگری در مراکز مختلف صنعتی و خدماتی هستند که در ارتباط و پیوند و همکاری با هم می توانند تا حدودی خلا نبود تشکل های توده ای و سراسری کارگران را پر کنند.

در اوضاع متحول کنونی و با وجود جنبش اعتراضی در خیابان، طبقه کارگر با بهره گیری از سلاح قدرتمند اعتصاب سراسری نه تنها می تواند جنبش اعتراضی در خیابان را تقویت و پیشروی آن را تضمین کند، بلکه قادر خواهد شد زمینه را برای قرار گرفتن در رهبری جنبش های اعتراضی و توده ای مهیا سازد.

برگرفته از سخن روز

تلویزیون حزب کمونیست ایران

۲۰۱۸-۰۹-۰۸ | ۱۳۹۷-۱-۰۵

های کارگری و همچنین به سختی شرایط کار کارگران در جنوب ایران اشاره کرده است. اعتصاب سراسری کارگران راه آهن برای تحقق این خواسته های حیاتی در شرایطی ادامه دارد، که تشدید بحران اقتصادی باعث سقوط فاجعه بار قدرت خرید کارگران شده است. سال ۱۳۹۷ که با دلار چهارهزارو ۹۹۰ تومان آغاز شد، هنوز نیمه سال را طی نکرده، نرخ دلار آن در بازار غیررسمی به حدود ۱۱ هزار تومان رسیده است. این کاهش ۱۲۰ درصدی ارزش پول داخلی در برابر دلار که بلافاصله در افزایش قیمت کالاها و مایحتاج روزانه مردم خود را نشان می دهد به سقوط ۷۰ درصدی قدرت خرید کارگران منجر شده است. طرح شعار "خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما یک میلیون"، در تجمع اعتراضی کارگران راه آهن کرج بیانگر همین حقیقت تلخ است. توجه به این حقایق نشان می دهد که کارگران راه آهن در چه شرایط سخت اقتصادی برای تحقق خواسته هایشان مبارزه می کنند. اما به رغم شرایط دشوار اقتصادی که کارگران و خانواده هایشان در آن قرار دارند، کارگران راه آهن با اعتصاب سراسری و یکپارچه خود میتوانند خواسته های بر حق خود را به مدیران و کارفرمایان شرکت های راه آهن و دولت حامی آنها تحمیل کنند. اقدام به سازماندهی اعتصاب سراسری و ایجاد شورای هماهنگی برای هدایت این اعتصاب، تدوین و پیگیری مطالبات کارگران و خنثی کردن توطئه کارفرمایان نه تنها نقطه عطف درخشانی در مبارزات کارگران راه آهن به شمار می آید، بلکه گامی مهم در مسیر تکامل مبارزات کارگران ایران است. گام بعدی در پیشروی مبارزات کارگران ایران، ایجاد هماهنگی و همزمان کردن اعتصابات سراسری کارگران در مؤسسات و رشته های مختلف تولیدی و خدماتی و گسترش شورای هماهنگی اعتصابات کارگری به فعالین و رهبران مبارزات کارگری در مراکز مختلف صنعتی و خدماتی است. تلاش در این زمینه در جریان است و تحقق آن امری ممکن است.

تقریباً همزمان با آغاز اعتصاب سراسری

موج جدید اعتصاب سراسری و تجمع های اعتراضی کارگران راه آهن که از روز ۲۹ هم تیر ماه آغاز شد، علیرغم تهدید و فشار کارفرمایان و مدیران شرکت های راه آهن همچنان ادامه دارد. این اعتصاب سراسری تاکنون شهرهای مختلف در استان های خراسان، آذربایجان، لرستان، اصفهان، زنجان و شهرهای اسلام شهر، کرج، شاهرود، سمنان، دامغان، گرگان، ورامین، اراک، ارومیه، اندیمشک، زاهدان و دیزل تهران را در بر گرفته و بسیاری از ایستگاههای راه آهن را تعطیل کرده است. اما با گذشت سه هفته از موج جدید اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، شرکت هایی که طرف قرارداد با کارگران هستند و از حمایت دولت و نهادهای حکومتی برخوردارند، تا این لحظه حقوق و مطالبات کارگران را پشت گوش انداخته و مفاد قراردادهای بسته شده با کارگران را نقض کرده اند.

"شورای هماهنگی کارگران و کارکنان خط و ابنیه فنی راه آهن" در واکنش به بی توجهی این شرکت ها و دولت طی بیانیه ای که روز دوازدهم مرداد انتشار یافت ضمن تأکید بر ادامه اعتصاب سراسری، کارگران تمامی مناطق را به برگزاری تجمع های اعتراضی فراخواند. شورای هماهنگی کارگران راه آهن ضمن اعلام نقض قرار داد از جانب "شرکت توسعه و صنعت" و "گسترش آهن راه" و "تراورس" و "جوش گستر" که از جمله شرکت های هستند که با کارگران قرارداد بسته اند، بار دیگر بر خواسته های سراسری کارگران تأکید کرد. در بیانیه شورای هماهنگی کارگران ره آهن آمده است که خواسته های ما به قرار زیر است:

- ۱ - بیمه درمانی باید پرداخت شود؛
  - ۲ - حقوق کامل تسویه شود و هیچ معوقه ای را قبول نمی کنیم؛
  - ۳ - قرارداد موقت کنسل شود؛
  - ۴ - کارگران باید تشکل های مستقل داشته باشند؛
  - ۵ - اخراج کارگران تحت عنوان تعدیلی باید کنسل شود؛
  - ۶ - کارگران در هر زمان حق تجمع و اعتراض نسبت به مشکلات خودشان را داشته باشند؛
- ۷-مدیران شرکت باید تاریخ دقیق پرداخت حقوق را اعلام کنند.
- شورای هماهنگی کارگران راه آهن در این بیانیه با آوردن نمونه های زنده به تأثیرات نپرداختن حق بیمه درمانی کارگران بر زندگی خانواده

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در باره جانباختن رفیق توفیق عباسی



با نهایت تأسف به اطلاع می رساند که ساعت ۳ بعد از ظهر روز دوشنبه اول مردامه ۱۳۹۷، کومه له و حزب کمونیست ایران یکی از اعضاء و یاران قدیمی خود را در سن ۶۹ سالگی از دست داد. رفیق توفیق عباسی که در صفوف پیشمرگان کومه له به نام ماموتوفیق شناخته می شد از سال ۱۳۵۸ به صفوف این نیرو در جنوب کردستان

پیوست. وی طی نزدیک به چهار دهه از رفقای ثابت قدم این جریان بود و در عرصه های مختلف مبارزه انقلابی در کردستان ایفای نقش نمود. ماموتوفیق، از چهره های محبوب و شناخته شده در میان مردم زحمتکش منطقه جنوب کردستان بود، مردمی که خود از میان آنها برخاسته بود.

رفیق توفیق طی سه سال گذشته متأسفانه با بیماری سختی دست و پنجه نرم می کرد، اما تا روزهای آخر که به کوما فرو رفت، روحیه خود را در مقاومت و مبارزه با بیماری حفظ کرد. بدینوسله عمیقاً با خانواده ماموتوفیق عزیز ابراز همدردی می کنیم و جانباختن این یار دیرین خود را به همه رفقای کومه له و حزب کمونیست ایران تسلیت می گوئیم.

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

اول مرداد ماه سال ۱۳۹۷

## از سایت های حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید!

سایت تلویزیون کومه له

سایت کومه له

سایت حزب کمونیست ایران

www.tvkomala.com

www.komalah.org

www.cpiran.org



## آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

نمایندگی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه  
حزب کمونیست ایران

K.K. P.O.Box75026  
750 26 Uppsala - Sweden  
Fax: 004686030981

representation@komalah.org  
Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016  
kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018  
127 02 Skärholmen  
SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

تماس با  
کمیته تشکیلات داخلی کشور  
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات  
داخلی کومه له (تکشی)

takesh.komalah@gmail.com